

# راه توده

شهره‌مآلان حریتم‌ظیران درخلاج از کشور

جمعه ۱۱ شهریور ۱۳۱۲ مطابق ۲۰ ذیحجه ۱۴۰۳ و ۲ سپتامبر ۱۹۸۳  
سال دوم، شماره ۵۷  
پهنا: ۴۰ سانتی‌متر

# قدرت ما وضعف آنها!

اینروزها بازار شیوه تنها به قاضی رفتن و راضی برگشتن در ایران داغ تر شده است. آقای رئیس مجلس و امام جمعه موقت تهران در نماز جمعه هفته گذشته به گمان خود "کارت" برند خود را از آستین بیرون کشید و برای لایوشانی کردن ضعف های تسلیم طلبان در حاکمیت، شیوه های شناخته شده ارتجاع را بار دیگر بکمک طلبید. تسلیم طلبان در حاکمیت جمهوری اسلامی، که به تمام وعده های اولیه خود پشت کردند و برای توجیه این روگردانی از منافع خلق، هر روز بیشتر و بیشتر به منجلاب سازش با مدافعان افراطی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی فرو می روند، می کوشند ضعف خود و روگردانی خود را از خلق و زحمتکشان پرده پوشی کنند و در این راه از بکارگیری هیچ شیوه ای روی گردان نیستند. برای آنها "هدف وسیله را توجیه می کند"!

آنها می خواهند ضعف خود را بپوشانند و قدرت ما تودهای را بشکنند! قدرت ما در آن است، که قبل از همه راه درست را برای تعمیق انقلاب نشان دادیم، تأمین عدالت اجتماعی را بر پرچم خود نوشتیم، تحکیم استقلال واقعی سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی را در مقابل امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هدف قرار دادیم.

قدرت ما در آن است که راه بهر روزی زحمتکشان را با طفره رفتن از راه "رشد" سرمایه داری، و جای ایران را در جوار بقیه در صفحه ۶

# "راه سوم" یا سازش علیه منافع خلق

"ترمیم کابینه" انجام شد. برای ارزیابی نهایی سیماهای جدید در دولت هنوز باید زمان سپری شود. اما آنچه هم اکنون می توان درباره این "رفتن ها" گفت، آنست که در جوار عناصری همانند عسکر اولادی و تکیلی که به عنوان مدافعان کلان سرمایه داران و کارگر ستیزان افشاء شده بودند، وزرائی هم برکنار شدند، که نظرات مثبتی در بعضی از مسائل اجتماعی ابراز کرده بودند. از جمله خواست بحق دهقانان برای اجرای اصلاحات ارضی با این "رفتن ها" مدافعانی را در دولت آقای موسوی از دست داد.

درک لزوم "رفتن" عسکر اولادی ها و توکلی ها از دولت برای زحمتکشان میهن ما آسان است. آنها با تجربه نسبتاً طولانی در ریافتن بودند، که عسکر اولادی به عنوان مدافع غارت بی بند و بار یک نظام سرمایه داری، به عمل و سازوکار اصلی گرانی و احتکار (از جمله دموورد برنج) تبدیل شده بود و با مخالفت پابزرگانی خارجی دولتی و ایجاد تعاونی های مردمی و نظارت دولتی بر توزیع داخلی، با قانون اساسی جمهوری به ستیز برخاسته بود و علیه منافع خلق عمل می کرد.

همینطور توکلی با ارائه طرح پیش نویس قانون کار کذائی ضد کارگری دست خود را به عنوان اسب تروای سرمایه داری در "دولت مستضعفان" باز کرده بود. اعتراضات وسیع کارگران به توکلی در ماه های گذشته هنگام طرح پیش نویس قانون کار، کوس رسوائی او و "خط" او را در حاکمیت جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۴

# از کدام موفقیت های چشمگیر سخن می گویند؟

نظام جمهوری اسلامی را به مخاطره انداخته است. خطر بد رجحای محسوس و جدی است، که بازتاب آنرا می توان در بیانات مقامات عالی رتبه بعیان مشاهده نمود. آنها از اختلاف میان گردانندگان اهرم های مملکتی بر سر "مسائل دنیوی" و به بیان دیگر، بر سر قدرت، از اختلاف و دسته بندی میان روحانیت، که منجر به "شکست اسلام" می شود، از دو دستگی و چنبد دستگی ملت، از سقوط "سپاه

بقیه در صفحه ۸

سران جمهوری اسلامی "نگران" آیندمانه هرج و مرج بی سابقه زائیده بحران و یا صریح تر گفته باشیم ورشکست اقتصادی مولود عدم کفایت و کارایی، نبود برنامه دقیق و حساب شده و فقدان تزر روشن نظام اجتماعی - اقتصادی، نبرد بی پایان بر سر قدرت، گسترش فقر و سکنست و تعمیق شکاف میان فقرو ثروت، تشدید فزاینده تر و پروا ختناق و تجاوز به ابتدائی ترین حقوق - دمکراتیک، ادامه جنگ خانمان برانداز و بسی - حاصل و بالاخره گسترش فساد در جامعه،

# همبستگی محرومان جهان ونه "وابستگی"

در صفحه ۱۰

# شرکت روز افزون محافل مترقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده ای!

مبارزان راستین ضد امپریالیستی، موج شدید تر همبستگی با قربانیان، و علیه اختناق و فشار در ایران بالا می گیرد. همبستگی افکار عمومی با توده های بویژه پس از شهادت رفیق ریاحی، نمونه ای از این موج است.

## ایتالیا

شاخه حزب کمونیست ایتالیا در صنایع ماشین سازی فیات، تورینو، ضمن محکوم کردن اعمال بی رویه در مورد رهبران و اعضای حزب توده، ایسران، آمادگی خود را برای مقابله با این اعمال اعلام نموده و همبستگی کارگران این رشته را با مبارزان توده ای زندانی، ابراز نموده است. بقیه در صفحه ۳

دفاع از توده های در بند و همه مبارزان صادق ضد امپریالیست و آزاد یخواه میهن مان توسط تمام انسانهای شرافتمند و مترقی جهان پاسخی است به تهمت ها و لجن پراکنی های راستگرایان افراطی در حاکمیت جمهوری اسلامی و بویژه تسلیم طلبان بی رمقی، که بجای عمل به تعهدات خود در مقابل خلق، بجای التیام دردهای عمیق زحمتکشان، بجای احترام به حقوق خلقهای مردم میهن ما و قانون اساسی جمهوری نو پا، با ستیز خود با آزادی و حقوق - دمکراتیک زحمتکشان، بیشتر و بیشتر رنگ میبازند. با ارتکاب هر جنایتی علیه زندانیان توده ای و دیگر

# پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

# آقای امام جمعه موقت!

اگر شکنجه‌های در کار نبوده توضیح بدهید که زندانیان توده‌ای در اوین: حسن حسین پور تبریزی، گایک آوانسیان و بسیاری دیگر که هنوز جرات نکرده‌اند نامشان را اعلام کنید چگونه به قتل رسیده‌اند؟

می‌شد واقعیتی وجود دارد؟ چرا بر سر نوع شکنجه چانه می‌زنید؟! البته روشن است که نوع دقیق شکنجه‌ها را تنها خود شکنجه‌گران اوین و احتمالاً رهبران طراز اول جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. اما اینکه مدعی شوند اصولاً شکنجه‌های دز کسار نبوده و قسریان نبوده و او طلبانه حرف‌های مورد نظر گردانندگان حاکمیت را تکرار می‌کنند، ادعای رسوا شده‌ای است، که فقط دل مدعیان را خوش می‌کند.

آقای رفسنجانی! قسم شما را باور کنیم یا دم خروس را؟ چطور شد که زنده یاد حسن حسین پور تبریزی، که مأموران شما وی را همزمان با دیگر رهبران و فعالین حزب، با روشی ناشایست دستگیر کردند و به زندان اوین بردند، ناگهان سر از صفحه مجالس ترجمین روزنامه کیهان در آورد؟ اگر تقوای شما هم مانند امامتان موقت نیست، این معما را حل کنید! زنده یاد گایک آوانسیان را که جلوی پرده تلویزیون هم آوردید، چگونه کشتید و چرا مرگ او را مخفی نگاه داشتید؟ چرا اعلام نمی‌کنید که چند نفر دیگر زیر شکنجه به "مرگ طبیعی" مرد ماند؟ آیا این دست و آن دست نمی‌کنید تا با برگزاری محاکمه غیر علنی، گشته‌شدگان را به اعدام محکوم کنید و دست‌های خود را بشوئید؟

آقای رفسنجانی! به موقیت‌های زودگذر و "موقت" دل نیندازید! این جنایات برای مدت طولانی پنهان نخواهد ماند!



خشونت بی نظیر دستگیر کردید و اسامی و محل بازداشت آنانرا مخفی نگاه داشتید تا دستتان برای هر جنایتی باز باشد! آیا گویا تیراز آثار شکنجه‌هایی که بر روی سر و صورت قربانیان، که بار اول نشان داد پنهان و مضمون دیده

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، امام جمعه موقت تهران، در نماز جمعه هفته گذشته پس از ایراد خطبه اول، که مربوط به تقوی بود، در خطبه دوم تقوای "موقت" را بکنار نهاد و مطالبی را عنوان نمود که بعنوان رئیس مجلس و یکی از مسئولان مملکتی باید پاسخگو به آنها باشد. آقای رفسنجانی که فیلم تازه تهیه شده در شکنجهگاه اوین را قبلاً دیده بود تا به مثابه کارشناس نظر بدهد، آیا این فیلم خوب مونتاژ شده و برای پخش مناسب است یا نه، به نمازگزاران مژده داد، که شنبه شب یک پیر مرد ۸۰ ساله را خواهند دید که مانند یک ورزشکار، اینبار بر خلاف ۴ ماه پیش، که آثار شکنجه هنوز بر چهره‌اش (تنها چیزی که روی پرده تلویزیون نشان می‌دادند) نمایان بود، با "لبخند"، "اقرار" دفعه گذشته را تکرار می‌کند!

سپس معلوم شد رونوشت‌های که آنها بدست قربانی خود داده‌اند و او را واداشته‌اند که بگوید دفعه گذشته، کتک و شلاق و دارو و آمپول در کار نبوده، بلکه وی بر اثر رویارویی با منطق دانشمندان "بزرگی نظیر آقایان فردوست لاجوردی و گیلانی، سر پیری به این نتایج محیرالعقول رسیده است!

برای ما توده‌های ما، به‌مثابه انسانهای ساده‌ای که بر خلاف برخی از رجال جمهوری اسلامی تقوایمان "موقت" نیست و از طریق واقعیت‌های ملموس به اظهار نظری نشینیم چه چیز گویا تر از این واقعیت است که شما، هزاران نفر را نیمه شب با

## "انجمن اسلامی دانشجویان" یا "جوخه مرگ"

اما اعمال این شیوه‌ها منحصراً فیلی پین نیست؛ در دیگر کشورها از جمله در کانادا نیز وضع بدین منوال است.

### آیا این عمل آشنایست؟

طبق خبرهایی که از کانادا به ما رسیده است، سفارت ج ۱۰۱۰ در کانادا ضمن نشان دادن عکس و فیلم از تظاهرات برای عده‌ای از افراد انجمن اسلامی، از آنان خواسته است، که هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را معرفی کنند.

مأمورین سفارت به آنها گفته‌اند، که به کسانی که در این زمینه همکاری کنند، سالی حدوداً ۱ هزار دلار کانادا وام می‌دهند تا آنها با استفاده از این مبلغ بتوانند در دانشگاه‌ها تحصیل نموده و بدین ترتیب به انجام "وظایف" (خود ادامه دهند!

گریها و تحولات بعدی آن به مذاقش خوش نیامده بود، مجدداً عده‌ای از دانشجویان دگراندیش را مورد ضرب و شتم قرار داد، و حتی خوانندگان "راه توده" را تهدید به مرگ کرده است.

"انجمن اسلامی" با صدور يك اعلامیه، تمام این واقعیات را نکذیب کرده و اظهار داشته است "جوخه مرگ" وجود ندارد. (بخشهایی از این اعلامیه و گوشه‌هایی از وقایع در روزنامه جمهوری اسلامی اواخر مرداد ماه نیز به چاپ رسیده است).

اما کسانی که با وضع ایرانیان در فیلی پین آشنایی دارند می‌دانند که این نکذیبنامه، مانوری پیش نیست و افشاگری قبلی "راه توده" به اندازه کافی روشن‌کننده وضع "انجمن اسلامی" در فیلی پین هست.

در پی افشاگری‌های "راه توده" شماره ۴۷ پیرامون ضرب و شتم و اعمال شکنجه در حق دانشجویان دگراندیش توسط افراد "انجمن اسلامی دانشجویان" در فیلیپین، این موضوع در مطبوعات فیلیپین نیز بازتاب یافت. این مطبوعات از قول دانشجویان ایرانی در فیلیپین خبر از وجود يك "جوخه مرگ" دادند، که دانشجویان ایرانی را مورد تضییق قرار داده و حتی به مرگ تهدید می‌کند.

افشاگری "راه توده" و انعکاس این واقعیات در مطبوعات فیلیپین باعث آن شده است که عده زیادی از دانشجویان، دیگر در مجمع‌هایی که توسط این "انجمن" برگزار میشود شرکت نکنند و بسیاری نیز پی به ماهیت این انجمن‌ها برده و از دور آن پراکنده شوند. "جوخه مرگ" انجمن که این افشا-

# شرکت روزافزون محافل مترقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

بقیه از صفحه ۱

● سازمان قضاات دمکرات ایتالیا در پیله مؤتسه، طی مخابره تلگرام اعتراضی به سفارت ج ۱۰۱۰، بناسیت دستگیر و شکجه مبارزین توده‌ای، همبستگی خود را با این مبارزین ابراز داشته است.

● شهردار و گروه مشاورین شورای شهرداری بلونیا طی تلگرامی که به سفارت ج ۱۰۱۰ مخابره نمود هاند، نگرانی شدید خود را در مورد سرنوشت مبارزین توده‌ای در بند ابراز داشته و ضرورت احترام به حقوق دمکراتیک را در ایران، خواستار گردیده هاند.

● گروه مشاورین کمونیست شهردار یسهای ناحیه امیلیا، نیز آزادی فوری اعضای بازداشت شده حزب توده ایران را طی مخابره تلگرامی، خواسته است.

● قدراسیون حزب سوسیالیست در بلونیا ی ایتالیا، طی ارسال نامه‌هایی به وزارت و وزیر امور خارجه ایتالیا، خواهان مداخله این وزارت خانه در مورد آزادی رهبران و اعضای حزب توده ایران گشته و خاطر نشان ساخته است که پیشرفت انقلاب در کشور، بستگی به تمامی نیرو های مدافع آن دارد.

● شورای اداری ناحیه امیلیا رومانیا، طبعی تلگرامهای اعتراضی که به مقامات ج ۱۰۱۰ و بیه وزارت امور خارجه مخابره نموده، نگرانی مردم این ناحیه را از سرنوشت رهبران و اعضای حزب که در زندان بسر میبرند، ابراز کرده است.

● کمیته متحده ضد فاشیسم پاپوا، نگرانی خود را نسبت به اعمال بی‌رویه حکومت ج ۱۰۱۰ در مورد رهبران و اعضای حزب توده ایران، ابراز داشته است.

## دمکراتهای سوئد خواستار اطلاع از چگونگی وضع زندانیان توده‌ای شدند

گروهی از مسئولین سازمانها و شخصیتهای مترقی سوئدی و خارجی طی صد و بیانه مشترکی در تاریخ اول اوت (۱۰ مرداد ماه) ضمن اشاره به برگزاری جلسه بین‌المللی دوسلدورف در آلمان فدرال، بتاريخ بیست و یکم ماه مه (۳۱ اردیبهشت) و تشکیل "کمیته دفاع بین‌المللی از زندانیان توده‌ای" و نظر پزشکان و متخصصین در امر شکجه و در مورد ویدئو فیلم "اعترافات" رهبران حزب توده ایران باریگر بر لزوم پیشبرد اهداف جلسه دوسلدورف تأکید ورزیده، ضمن بیان فوریت مسأله نجات جان مبارزین دربند توده‌ای، پشتیبانی خود را از آنان با طرح خواستهای زیر اعلام نموده هاند:

— پایان دادن به شکجه زندانیان و قطع بازجوئیهها از آنان و اینکه بازجوئی فقط بایستی با حضور وکلای مدافع انجام گیرد؛

— معاینه فوری بازداشت شدگان، با نظارت صلیب سرخ بین‌المللی؛

— پایان بخشیدن به تعقیب و پیگرد نیروهای دمکراتیک و آزادی بلاد رنگ بازداشت شدگان؛

— برگزاری دادگاههای علنی، تحت نظارت بین‌المللی؛

امضا کنندگان بیانیه فوق، که از طریق سفارت ایران در سوئد برای دولت جمهوری اسلامی ایران ارسال گردیده است، بهدینقراردند:

● سیر پاریس، مسئول کمیته صلح در شهر لولئو

● تومی یوهانسن، از طرف سازمان جوانان کمونیست سوئد در لولئو ● جری ویلیامز، هنرمند و

مبارز صلح دوست ● پرگرنلوند، روزنامه نگار

● سوانته آلروت، مسئول سازمان حزب کمونیست کارگری سوئد در لولئو ● شل لوند کوست، بیه

نایندگی از طرف روزنامه فولک ویلیان، ارگان حزب کمونیستهای چپ در شمال سوئد ● موزیکا

انگستروم، مسئول جوانان کمونیست لولئو ● لوتا آندرسن، مسئول سازمان جوانان سوسیال دمکرات

لولئو ● رالف اولسون، نماینده حزب سوسیال دمکرات سوئد در لولئو ● بنگت نیلسون، مسئول

سازمان حزب کمونیست کارگری سوئد در شهر پیتتو ● سیری آدرین، مسئول کمیته صلح سوئد در شهر پیتتو ● سون نورد ستروم، مسئول سازمان حزب کمونیست کارگری سوئد در شهر بودن کارنیا سوئد کوست، مسئول گروه فلسطین در شهر لولئو.

● نورشس فلانان، ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد، در سرمقاله خود، بتاريخ هشتم

اوت (۱۷ شهریور) پس از اشاره به اعلام مسأله دستگیری گروهی دیگر از اعضای حزب توده

ایران و عدم وجود اطلاعات دقیق در مورد وضع زندانیان توده‌ای، نگرانی محافل مترقی

این کشور را در مورد شایعاتی که پیرامون نگره عده‌ای دیگر از مبارزین، متعاقب شکجه‌های

وحشیانه، شدت گرفته و سکوت مقامات حکومتی ایران در این میورد، ابراز کرده و ضمن تأکید دباره

بر اهمیت امر تجهیز افکار عمومی مترقی بین‌المللی جهت وارد آوردن فشار بیشتر بر دولت ایران و

نجات جان زندانیان توده‌ای، در خواست خود را از دمکراتهای سوئد برای نشان دادن اعتراض

وسیع نسبت به اعمال جنایات در شکجه‌گاه‌های ایران، تجدید نموده است.

## آلمان فدرال

● دبیر خانه حزب کارگری پیشرو کرد بیتان، شعبه آلمان فدرال نسبت به اعمال تضحیقات در

مورد حزب توده ایران، شدیدا اعتراضی نموده، آزادی رهبران و اعضای حزب را خواستار

گردیده است.

● روزنامه حزب کمونیست آلمان در

الدنبورگ طی مقاله‌ای در تاریخ ۲۹ ژوئیه (۷ مرداد ماه) ضمن بررسی وقایع اخیر ایران،

تضحیقات علیه حزب توده ایران را بارزترین نشانه چرخش سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی

به راست دانسته است. مقاله سپس به تشریح دستگیری و چگونگی شکجه و آزار رهبران و اعضای

حزب و خطری که جان آنان را تهدید می‌کند پرداخته و در این رابطه به شهادت رفیق حسن

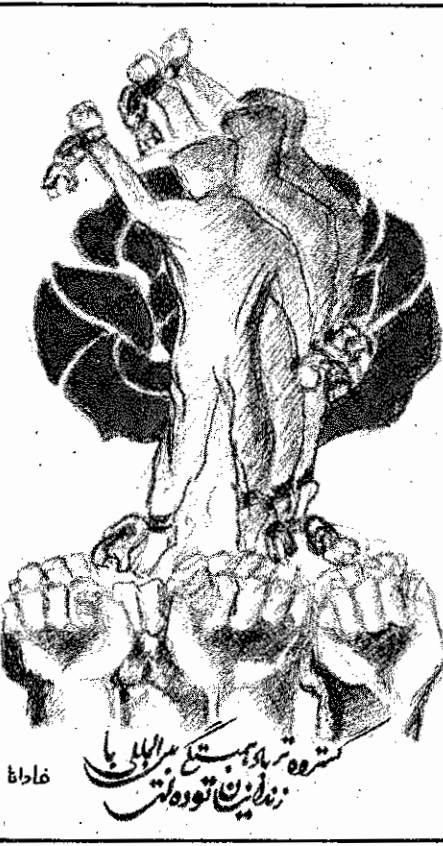
حسین پور تیریزی، از فعالین یا سابقه جنبش کارگری، اشاره نموده است. این روزنامه ضمن

درج خبر تشکیل "کمیته همبستگی با ایران" در الدنبورگ، از کلیه دمکراتهای این شهر

خواسته است با اعلام پیوستگی به "کمیته"، به اقدامات عاجل جهت نجات جان مبارزین توده‌ای دست بزنند.

● شش سازمان مترقی، ضمن امضا و ارسال بیانیه مشترکی به سفارت جمهوری اسلامی

ایران، تضحیقات علیه حزب توده ایران و اعمال شکجه‌های وحشیانه‌ای را که در موردی موجب مرگ برخی از رهبران و اعضای حزب



# ”راه سوم“ یا سازش علیه منافع خلق

بقیه از صفحه ۱

ایران بصدا در آورده بود.

همچنین مخالفت های برخی مسئولان و نمایندگان مجلس و بویژه مخالفت های صریح مردم با اقدامات عسکر اولادی بیان کننده انفسراد نظرات و ”خط“ او در جامعه است. لذا ”رفتن“ این دو از دولت، اگر چه هنوز بنا بر ایقان همفکران و هم ”خط“ های آنان در دولت و بخش های دیگر حاکمیت همراه است، همانطور به مسئله مبرم و گذشت ناپذیر روز جامعه تبدیل شده بوده که اتخاذ سیاست مخالف نظرات سیاسی - اقتصادی - اجتماعی آنان و مخالف خط راستگرای ضد انقلابی حاکم بر شئون زندگی خلق به مبرمترین مسئله میهن ما تبدیل شده است.

با توجه به این واقعیت ها است که مردم ”رفتن“ عسکر اولادی ها و توکلی ها را اقدامی در جهت درست تلقی کردند و به لزوم توسعه این اخراج ها به بقیه نمایندگان خط مدافع افراطی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و اختناق و فشار در حاکمیت اصرار دارند.

و در واقع هم نتیجه منطقی چنین رسوائی نظرات و ”خط“ ضد انقلابی، ضد ملی و ضد منافع زحمتکشان این نیروها این می بود که این ”خط“ مدافع افراطی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و نمایندگان بدست زحمتکشان از حاکمیت بدور انداخته شوند. این تنها راه ممکن بیرون آمدن انقلاب از بحران بود و هست. اما در مقابل دیدگان زحمتکشان بجای ”رفتن“ همفکران دیگر آنان، آنهایی از کار برکنار می شوند، که در گذشته برخی نظرات مثبت به نفع زحمتکشان ابراز کرده بودند و از جمله موافق اصلاحات ارضی و براندازی بزرگ زمیندای بودند.

اثر بی برنامهگی و نداشتن کاری و پشت کردن به اهداف اولیه خود با بن بست رویرو شده اند و از این طریق انقلاب را به بحران دچار ساختند؛ اما نباید فراموش کرد که این بن بست آنها و بحران انقلاب، نه به علت نادرستی لزوم تحقق عدالت اجتماعی و تأمین استقلال و آزادی بوده است، - اهدافی که خلق ایثار گرانه برای تحقق آنها با رژیم شاه در افتاد و بر آن پیروز شد - درست برعکس، علت واقعی بحران انقلاب، آنست که مدعیان ”دفاع از مستضعفان“ بجای عمل به وعده های خود و اجرای بیگیر اصلاحات بنیادی به نفع خلق، تن به معاشات و بالاخره تسلیم طلبی در مقابل مدافعان نظام کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی دادند. آنها از این طریق بجای تجدید نظام سرمایه داری، آنطور که قانون اساسی جمهوری نوپا حکم می کند، به عاملان غیر مستقیم تحکیم پایه های متزلزل شده نظام غارتگر شاهنشاهی بدون شاه و در لباس ”شرعی“، تبدیل شد ماند.

این سازش، که برای راضی کردن جناح راستگرای افراطی در حاکمیت جمهوری اسلامی و جلب موافقت آنها با ”رفتن“ عسکر اولادی ها و توکلی های رسوائی شده، عناصر یا نظرات مثبت را قربانی می کند، به همان کوره راه تسلیم طلبی ای می رود، که چند ماه پیش هم رفیق و از زبان آقای موسوی مدعی شد، که گویا با سرکوب حزب توده، ایران، راه اجرای اصلاحات بنیادی را گشوده است! این خط تسلیم طلب درک نکرده است و هر روز بیشتر ناتوانی نهائی خود را در درک این واقعیت نشان می دهد که:

- نمی توان یا سازش یا مخالفان عدالت اجتماعی، عدالت اجتماعی را برای زحمتکشان تحقق بخشید،

- نمی توان یا جدا شدن از متحدان واقعی و طبیعی و مدافع تعمیق انقلاب، به تعمیق انقلاب به نفع زحمتکشان نائل شد،

- نمی توان ”با کمک“ استثمارگران و مدافعان و نمایندگان آنها، به استثمارگران و ”مستضعفان“ کمک کرد،

- نمی توان منافع طبقات غارتگر و ظلمت شده را آشتی داد.

این خط تسلیم طلبی، که هر روز بیشتر بی رمقی و ناتوانی خود را در درک نبرد طبقاتی حاکم بر جامعه نشان می دهد، هر روز بیشتر در مرداب سازش فرو میرود.

کار این بی رمقی به آنجا کشیده است، که این نیروها برخلاف گذشته نه از موضع قاطع و به نفع خلق دندان کرم خورده را می کنند، مثلاً آنطور که نفوذ امپریالیسم آمریکا را یا تسخیر لانه جاسوسی آن پاسخ دادند، بلکه اکنون زیر فشار راستگرایان افراطی و به خاطر تن دادن به سازش با این نیروها برای جدا شدن از عسکر اولادی های رسوائی شده به پرباد دادن بیشتر و بیشتر روح مردمی انقلاب رضایت می دهند.

این شیوه مسخ انقلاب، که سازشکاران را به ”کاخ نشینی“ با حفظ ظاهر کوچک نشینسی رسانده است، از انقلاب پیکسری مثلثه و مسخ شده بجای می گذارد، که در آن دیگر رمقی یافت نمی شود؛ سازش و تسلیم طلبی ای، که نام آن را ”راه سوم“ گذاشته اند!

## سازش بجای قاطعیت انقلابی

علت این واکنش غیر طبیعی چیست؟

در حالیکه علت ”رفتن“ مدافعان افراطی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی رسوائی سیاست آنها و خود آنها بوده است، آیا علت برکناری بی سرو صدای دیگران از دولت، به خاطر نظرات کم و بیش مثبت آنها، از جمله اصلاحاتی که انقلاب برای زیستن همانند هوا به آن احتیاج دارد، نبوده است؟

آیا علت کنار گذاشتن موافقان، از جمله موافقان اصلاحات ارضی، از دولت معلول نادرست بودن اجرای اینگونه اصلاحات بنیادی پیوسته است؟ و یا علل دیگری باعث این اقدام شده است؟!

این درست است، که حاملان نظرات کم و بیش مثبت در حاکمیت، که روزی با وعده های طبقاتی اعتماد خلق را بدست آورده بودند، در



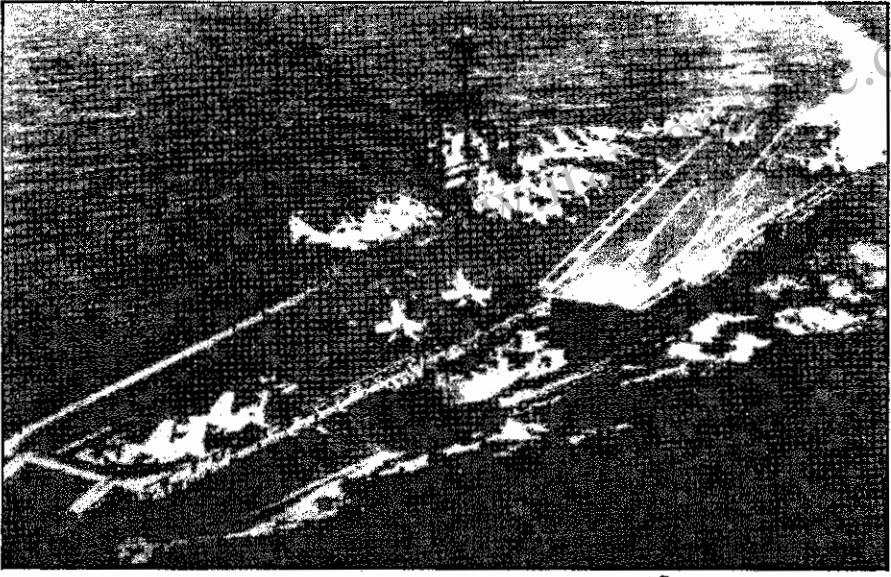
مرگ بر امپریالیسم جهانخواار امریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

# اهداف سه گانه «ستاره درخشان ۱۹۸۳»

کنیم • این نشریه می نویسد که آمریکاییها اعلام کرده اند که کشورهای خلیج به "حمایت" آنها علیه "خطر شوروی" نیاز دارند • تنها خطر واقعی علیه کشورهای عربی، اسرائیل است که به اشغال اراضی اعراب ادامه میدهد؛ این اسرائیل است که نزدیکترین دوست و متحد و دستیار آمریکا در منطقه می باشد؛ و این همان اسرائیل است که آمریکاییها بیش از سی سال است که از آن حمایت می کنند • عملیات ستاره درخشان ۱۹۸۳، زیر نقاب خطر دروغین و ساختگی، خطر واقعی را پنهان می سازد؛ خطر واقعی توسعه و افزایش حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه • بنا به اظهار نظرهای استراتژیست های آمریکایی، این حضور نظامی، به واشنگتن توان آنرا خواهد داد که اوضاع خاور میانه را کنترل نماید؛ "منافع حیاتی" خود و "منافع" اسرائیل را حفظ کند و بخشهای وسیعی از مد پترانه، قاره آفریقا و اقیانوس هند را زیر نفوذ خود داشته باشد •

خوشایند آمریکا نباشد، این کشورها نباید "عزم راسخ آمریکا" را فراموش کنند • ثانیا این "بازیهای جنگی" برای عادت دادن کشورهای خاورمیانه به حضور نظامی و فزاینده و عوداتی ایالات متحده، آمریکا در منطقه است • بدین طریق واشنگتن می خواهد "حقوق" خود را برای دفاع از "منافع حیاتی" آمریکا در خاور میانه اثبات کند و آنرا استحکام بخشد • همچنین واشنگتن قصد دارد کشورهای هم پیمان و شرکت کنندگان در عملیات ستاره درخشان ۸۳ را هر چه بیشتر به زیر نفوذ و سیطره خود بکشد • سومین هدف مانورهای ستاره درخشان ۱۹۸۳ نیروهای مداخله سریع، یادآوری ابعاد "خطر شوروی" و "توسعه طلبی شوروی" و "آرزوسای او برای تصرف منابع نفتی منطقه خلیج فارس" به کشورهای خاورمیانه است • بجاست اگر در اینجا به مندرجات نشریه "هفتگی" روض الیوسف چاپ قاهره رجوع

نیروهای مداخله سریع آمریکا در مدت چهار سالگی که از موجودیتش گذشته از تعداد هشتاد هزار نفری که بموجب طرح اولیسه اش شامل بود به دو بیست و سی هزار نفر افزایش یافته است • دامنه فعالیت این نیروها ظرف چهار سال گذشته، بخصوص در منطقه خاور میانه بهمان نسبت توسعه پیدا کرده است • در اولین مانورهای ستاره درخشان سال ۱۹۸۰ دو هزار سرباز آمریکایی شرکت کرده بودند؛ و اکنون در مانورهای ستاره درخشان ماه اوت ۱۹۸۳ تقریباً پنج هزار و پانصد نفر از سربازان آمریکایی نیروهای مداخله سریع شرکت می کنند • این بزرگترین مانور نیروهای مداخله سریع آمریکا می باشد که با شرکت نیروهای نظامی کشورهای هم پیمان آمریکا در منطقه انجام می گیرد • هدف این مانورها، آنطور که رسماً (و ظاهراً) اعلام گردیده، تطبیق تاکتیکهای نیروهای مداخله سریع با شرایط گرمای فصلی صحرای خاور میانه می باشد (مانورهای قبلی در ماههای نوامبر - دسامبر انجام شده بود)؛ لکن هر کس قادر است دیدگاهها و نقطه نظرهای سیاسی را در ماورای اهداف منحصر نظامی این عملیات دریابد:



ناو هواپیما بر "نهیشت" در آبهای مجاور شبه جزیره عربی

اولا نیروهای مداخله سریع قصد دارند قدرت و کارایی خود را نشان دهد؛ این کارایی گویا برای کشورهای طرفدار و حافظ "منافع" غرب در منطقه، سودمند است؛ زیرا واشنگتن دائما "حمایت" خود را در شرایط "بحرانی" از این کشورها اعلام داشته است • ولی در حقیقت این اختطاری است به تمام کشورهای خاور میانه زیرا آمریکا می تواند در امور داخلی آنها با نیروی نظامی دخالت نماید • آماج اصلی این تهدیدها بخصوص کشور های مرفقی و ضد امپریالیستی منطقه هستند؛ ولی سایر کشورهای منطقه را نیز مجبور به درک این مطلب می کند که هرگاه سیر دگرگونیها

را سدی در مقابل کمونیسم می شمارند • بزیان واشنگتن این سد در مقابل زحمتکشان ایسران و تمام کسانی است که با امر ونهی انحصارات خارجی و استثمارگران محلی مخالفند • ارگان انحصارات آمریکا با لحن پر معنی وعده میدهد که اگر رژیم کنونی ایران خط مشی ضد مردمی خود را پیگیرانه دنبال کند، کساح سفید به کرشن های تهران در مقابل واشنگتن - که به مرور زمان ممکن است دوباره به اتحاد دو کشور منجر شود - با حسن نظر بیشتری خواهد نگریست • ولی بر همگان روشن است که مردم ایران - مردمی که رژیم شاه را سرنگون کرده و بر پیکر امپریالیسم ضربات کاری وارد ساخته اند، چه برداشتی از اتحاد ارتجاع محلی و امپریالیسم داشته اند و خواهند داشت!

## وقتی که کودکان به تحلیل می نشینند

را با دوستان قدیمی، و نه تنها با امپریالیستها، بلکه با اسرائیل صهیونیستی هم برقرار ساخته و توسعه دهند • از جمله "بیزینس ویک" معتقد است که وقت آن فرا رسیده که ایران علنا به اردوگاه سرکوب کنندگان ملت عرب فلسطین بازگردد • امپریالیستهای آمریکا از اینکه رژیم کنونی ایران با پیروی از روش رژیم شاه، حزب توده، ایسران را وحشیانه سرکوب می کند و روز به روز امتیازات بیشتری به انحصارهای خارجی می دهد و اهرمهای اداره امر کشور را در اختیار سرمایه داران و ملاکین بزرگ محلی می گذارد، - سراز رضایت مندی نمودند - هفته نامه "بیزینس ویک" می نویسد؛ اکثر اعضای دولت ریگان انقلاب اسلامی

بقیه از صفحه ۶ نیستی متضمن خطراتی باشد، یقینا این خطر متوجه نقشه های طرح ریزی شده توسط قهرمانان کذایی کودتای ننگین ۲۸ مرداد خواهد بود، که طراحان آن در این جهت تلاش می ورزند تا شکست خود را در ۲۲ بهمن جبران کنند؛ دست آورد های مردم ایران را نابود کنند و در نهایت ایران را، همانند ایران دوران شاه، کت و یسد بسته تسلیم امپریالیسم و تابع سیاست های آن بکنند • هفته نامه "بیزینس ویک" ارگان انحصار های آمریکا قطع روابط ایران با کشورهای ترقی خواه را خواستار شده و مصرا نه به مقامات کنونی تهران توصیه می کند که با جدیت بیشتری تا سها

# وقتی که کودتاگران به تحلیل می نشینند

تفسیری پیرامون مقاله هفته نامه آمریکایی "پیزینس ویک" که درباره کودتای ۲۸ مرداد نوشته شده است، ارائه داشت که بخترهایی از آنرا برای اطلاع خوانندگان راه نموده و در زیر می آوریم:

هفته نامه "پیزینس ویک"، بلندگویی انحصار گران، که در نیویورک چاپ می شود، در ۲۸ آستانه سالگرد کودتای ۲۸ مرداد مقاله "ویژهای در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران" انتشار داد. از این مقاله پیداست که دستگاه های تبلیغاتی امپریالیستی و جارچیان آنها، همانند سی سال پیش عمل می کنند.

همان اش و همان کاسه! همان اژدها! همان ارگانهای تبلیغاتی آمریکا برای ایجاد مقدمات انجام کودتای نیروی خود را در جهت پراکندن شایعه "خطر کمونیسم" در "خطر شوروی" صرف می کند و در روزنامه های وابسته به رژیم شاه از قبیل اطلاعات، کیهان و غیره تیزبین آنها هموار می میگردند.

امروز در این دستگاه های تبلیغاتی امپریالیستی به شیوه "سابق" نیروی خود را برای فراهم ساختن زمینه پذیرش این تزهات که گویا عوامل شوروی و عوامل کمونیسم است بر سر ایران را فرار گرفته اند، نگار میگرداند. این هفته نامه "پیزینس ویک"، برای اینکه خوانندگان خود را از "ترسک شایعه شوروی" بترساند، می نویسد:

نزدیک بود که میگو بوسیله عوامل خبیث و شرورهای طبیعی ایران را به بحرین بر آورد. درست ۲۰ سال پیش (یعنی روز ۲۸ مرداد ۱۳۱۲) در جو غبار آلود شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی که بوسیله سخن بزرگانی همان امپریالیستی ایجاد شده بود زنگین ترین کودتای در تاریخ ایران وقوع پیوست. و بدین طریق نفت - این ثروت اصلی مردم ایران - منحصراً بدست عوامل موهوم میگو، بلکه بدست "انحصارات حقیقی امپریالیستی در رأس آنها" انحصارات آمریکایی به تاراج رفت.

موفقیت های اولیه ای که مردم ایران در مبارزه

مبارزه مخاطره آلودی کردن صنعت نفت و جسم کسب آزادیهای دموکراتیک بدست آوردند، بجز از بین رفتن ۱۰ سال تنگنا در راه پرستان ایرانی و در پیشانی آنان اعضای حزب توده، ایران نظیر قهرمانانی چون شیخ پرویز و رابو، زندانیان شدند، موزه شکنجه قرار گرفتند و بعد از آن گرفتار شدند. این عدای - چه در غرب و چه در ایران - بر این تصویر که شاید مردم ایران این در این تاریخی و گران را فراموش کرده باشند. بدین خاطر است که امروز هفته نامه "پیزینس ویک" و به تبعیت از آن روزنامه های مجاز ایران از قبیل اطلاعات، کیهان و دیگر بلندگوهای دستگاه های تبلیغاتی ارتجاعی، با فعالیت بیشتری (در مقایسه با آستانه کودتای ۲۸ مرداد) به هستری ضد شوروی و ضد کمونیسم در ایران دامن می زنند.

انها هر روز از حریف و باطلی را مبنی بر اینک گویا همکاری اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با ایران، برای ایران خطرناک تر دارد، پخش می کنند.

اگر چنانچه به زعم هفته نامه "پیزینس ویک" همکاری های ایران با کشورهای سوسیالیستی در صحنه در صحنه

# قدرت ما وضعف آنها!

بقیه از صفحه ۱

نیروها و کشورهای ضد امپریالیست اعلام کردیم. قدرت ما در آن است، که دفاع از تمامیت ارضی همین انقلابی را هدف قرار دادیم و با تمام توان خود، با اثار و فدکاری به دفاع از آن برخاستیم و بی حرمتی حتی به نفس یاران شهید شده مان نیز ما را از این راه باز نگرداند.

ضعف آنها در آن است، که وعده "قسط اسلامی" دادند و به آن پشت کردند.

ضعف آنها در آن است، که وعده زمین به دهقانان دادند و "پینه دست آنان را سبند اعلام کردند" و آنرا به فراموشی سپردند.

ضعف آنها در آن است، که حفظ قانون را وعده دادند و خود به برجمدار قانون شکنی تبدیل شدند.

ضعف آنها در آن است، که باز زیر پا گذاشتن اصل قانون اساسی جمهوری شکنجه را به وسیله "ترینتسی" خود تبدیل کردند.

ضعف آنها در آن است، که بجای ادامه بحث آزاد تلویزیونی، به تهیه "شو" های تلویزیونی ای دست زدند، که ماهها برای موتاز آن کار می کنند.

ضعف آنها در آن است، که تصور می کنند با شکستن این یا آن انسان شرافتمند، که در تمام عمر خود قدمی خلاف منافع زحمتکشان بر نداشته است، قادرند سیاست اصولی حزب توده ایران را مخدوش کنند.

ضعف آنها در آن است، که تصور می کنند خروج از این دست جنگ که به مین ما تحمیل کرده اند، با صرف بیان یا با صدور بیانیه از دست عواقب خانمان بریندازان خلاص می شود و نارضایتی زحمتکشان از این اوضاع را سرور آن به رضایت تبدیل می شود.

ضعف آنها در آن است، که تصور می کنند "اعترافات" و "نصایح" زیر شکنجه اخلاقی حفظ شده و قاهر است و روشن بینی خود را می گوید. مبارزان راه آزادی و جمهوری زحمتکشان را کشور سازد.

هدفشان از دادن به این شیوه های نظری و اقدام شده چیست؟ چه اهدافی؟ "اخلاق" و "معنویت" تا این حد سقوط یافته اند که برای آنها "هدف وسیله" و "خارجیم" است.

ظلم روشن است، آنها از استواری صفوف حزب ما، از استواری صفوف جنبش کمونیستی ایران، از یک پارچگی نظرات سیاسی

و ایدئولوژی حزب توده ایران و سبازمیان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به وحشیست اقتدار دارند. آنها که می خواستند حزب ما را در صحنه جهانی بی ابرو ببینند، با پشتیبانی وسیع بین المللی از حزب ما و توده های آنها در بند روپرو شدند، آنها که مدعی ریشه کن کردن "حزب توده ایران" بودند، پس از سری شدن چند ماه یا کمتر فروریخته آرزوی خود روپرو شد و باید "شو" تلویزیونی گذاشته به بی ابرویی سازماندهندگان و پرکنزار کنندگان آن تبدیل شدند. امیدشان به "شو" جدید هم سرخوشت دیگری نخواهد داشت.

## را و حقانیت حزب ما

هم آقای رئیس مجلس ستمین باشد و هم هفتران اولی هیکس قادر نیست با ترفند و سیه کاری با شیوه ضد انسانی و مطرود بیه اهداف شرافتمندانه انقلابی و انسانی دست بیازد.

حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگران و سبازمیان این حزب برآمده از نیاز طبقه کارگرونده و زنده میهن ما است، که منظور دفاع از منافع طبقه آن ایجاد شده است! همانطور که سرکوب طبقه کارگران در طول زمان ممکن نیست، همانطور هم سرکوب حزب آن و پیش قراولان فدائیان آن معنی نخواهد بود.

هیچکس با تسلیم طلبی در مقابل خدای استعمار و غارت و بازاری با نمایندگان و مدافعان آن قادر نخواهد بود به زحمتشان خدمت کند. اما اگر کسی به راه خدمت به زحمتکشان برود، باید به تنها راه ممکن برای حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگران ایران، برود!

این است راه حقانیت حزب ما و آب حیات تمام تمدنی آن!

از دست عواقب خانمان بریندازان خلاص می شود و نارضایتی زحمتکشان از این اوضاع را سرور آن به رضایت تبدیل می شود.

ضعف آنها در آن است، که تصور می کنند "اعترافات" و "نصایح" زیر شکنجه اخلاقی حفظ شده و قاهر است و روشن بینی خود را می گوید. مبارزان راه آزادی و جمهوری زحمتکشان را کشور سازد.

هدفشان از دادن به این شیوه های نظری و اقدام شده چیست؟ چه اهدافی؟ "اخلاق" و "معنویت" تا این حد سقوط یافته اند که برای آنها "هدف وسیله" و "خارجیم" است.

ظلم روشن است، آنها از استواری صفوف حزب ما، از استواری صفوف جنبش کمونیستی ایران، از یک پارچگی نظرات سیاسی

# شرکت روزافزون محافل مرفقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

بقیه از صفحه ۳

گرددیده است شدیداً محکوم نموده و خواست های ذیلی را مطرح کرد مانند:

- انتشار لیست نام بازداشت شدگان،
- قطع فوری شکنجه ها، آزادی بازداشتیست- شدگان و از سرگرفتن فعالیت علنی حزب توده ایران،
- پایان دادن به پیگرد اعضا و هواداران حزب،
- اجازه عزیمت به کمیونی بین المللی، مرکب از حقوقدانان و پزشکان جهت ملاقات با زندانیان و بررسی وضع آنان .
- اسامی سازمانهای امضا کننده بیانیه،
- بدین شرح است:

- حزب کمونیست آلمان، واحد نورنبرگ
- جوانان کارگر سوسیالیست آلمان در نورنبرگ
- اتحادیه ضد فاشیستهای نورنبرگ ● گروه دانشجویی حزب کمونیست و اتحادیه دانشجویان مارکسیست، واحد لانگن - نورنبرگ ● فدراسیون اتحادیه های کارگری ترکیه در آلمان فدرال، بخش نورنبرگ

## هندوستان

● شخصیتهای زیر، ضمن بر شردن مبارزات فدائیکارانه حزب توده ایران، اعمال تضییقات بر علیه حزب و رهبران و اعضای آنرا شدیداً محکوم نمودند و پایان دادن به ایسین اعمال، آزادی زندانیان و بررسی وضع آنان را توسط هیئتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان بین المللی، خواستار گردیدند:

- گروهی از وکلای ایالات هیماچال پرادش، گجرات، کارناتاکا، ماهاراشترا و مادیا پرادش
- تعدادی از استادان دانشگاههای ماهارا - شترا، دهلی، گجرات و هیماچال پسرادش
- گروهی از رهبران اتحادیه های کارگری در ایالات کارناتاکا، هیماچال پرادش، ماهاراشترا، پنجاب و مادیا پرادش، عدلهای از شعسرا و نویسندگان گجرات، هیماچال پرادش، تامیلی ناد و ودلهلی نو ● روزنامه نگاران ماهاراشترا، گجرات و دهلی نو ● گروهی از رهبران سازمان های دانشجویی در کارناتاکا، ماهاراشترا و پنجاب .

● در تاریخ ۲۲ ژوئیه ( ۳۱ تیرماه )، به ابتکار " فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان " و با شرکت نیروهای مرفقی و دمکرات، تظاهراتی بمنظور اعتراض به بازداشت و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران، در مقابل دفتر رئیس امور اجرائی ناحیه احمدآباد، برپا گردید . تظاهر کنندگان پس از دادن شعارهایی علیه اعمال تضییقات در مورد حزب توده ایران، همبستگی خود را با زندانیان توده های اعلام و آزادی بلادرنگ آنانرا خواستار گردیدند .

● در نشست عمومی حزب کمونیست هندوستان

در احمدآباد، که با شرکت یکی از دبیران این حزب در تاریخ ۲۵ ژوئیه (سوم بهداد) برگزار گردیده قطعنامه ای در محکومیت اعمال روشهای وحشیانه در مورد رهبران و اعضای حزب توده ایران بتصویب رسید، که در آن همچنین، پایمان دادن به این اعمال و آزادی زندانیان توده های، خواستار گردیده است .

آنگاه حاضرین در نشست، با اعلان دودقیقه سکوت، یاد شهیدان حزب توده ایران را گرامی داشتند .

● در مراسم برگزاری نمایشگاه عکسی در رابطه با بازداشت و شکنجه رفقای توده های، بازید کنندگان، ضمن امضای طوماری، همبستگی خود را با حزب توده ایران و رهبران و اعضای



در بند آن ابراز داشتند .

نشریات سراسری و محلی هندوستان، ضمن درج مقالات و اخبار مربوط به شکنجه های وحشیانه این مبارزین، به تشریح موج عظیم همبستگی مردم هندوستان، با زندانیان توده های پرداختند . از جمله این نشریات، هفته نامه لینگ است، که خوانندگان آن با ارسال نامه های فراوانی به دفتر مجله، حمایت خود را از زندانیان توده های، اعلام کرده اند .

## اتریش

● در تاریخ هجدهم ژوئن ( ۲۸ خرداد ماه ) طی نامه ای با امضای رئیس " شورای سراسری صلح اتریش " به سفارت ج ۱۰۱۰ در وین نسبت به بازداشت های غیرقانونی دمکراتها و میهن پرستان در ایران، شدیداً اعتراض شده و آزادی آنان خواستار گردیده است .

در نامه از جمله آمده است:

● " چندین ماه است که از دستگیری مریس فیروز، این مبارز راه صلح میگذرد، ولی تا کنون هیچ اطلاعی از او در دست نیست . " شورای سراسری صلح اتریش "، شدیداً نگران سلامتی وی بوده و خواستار اطلاعات موثق فوری درباره چگونگی وضعیت او می باشد .

● بنا به دعوت کلوب کارگران روتا گینگ، در وین، روز چهارشنبه هجدهم اوت ( ۲۶ بهسرداد ) جلسه ای بعنوان همبستگی با کمیونستهای ایران تشکیل گردید . محل گرد هم آیی، با شعار " دفاع از حزب توده ایران، حمایت از دستاوردهای در خطر انقلاب ایران است "، ترتین شده بود .

در جلسه فوق، قطعنامه ای بانفاق آرا، به تصویب و بآدرس سفارت ج ۱۰۱۰ در وین ارسال گردید که در آن ضمن اشاره به تاریخچه مبارزاتی حزب توده ایران، و ضررهای که با یورش به حزب و مبارزین آن به انقلاب ایران وارد می آید، اعمال تضییقات علیه حزب توده ایران و رهبران و اعضای آن شدت محکوم گردید و شکنجه های دردناک های که در مورد آنان اعمال گردیده و تا کنون باعث قتل مبارزانی، همچون رفقا حسن حسین پور تبریزی، ریاحی و آوانسیان گردیده، مورد تقیح قرار گرفته و درباره چگونگی وضع رفقا، احسان طبری، مریم فیروز، عباس حجری، آصف زهمیده و محمد امینی و دیگران استفسار شده است . شرکت کنندگان در جلسه خواستار این شد مانند که:

- ۱- غیر قانونی اعلام کردن حزب توده ایران، ملغی گردد .
- ۲- تعقیب و شکنجه و تضییقات دیگر در مورد نیروهای انقلابی، پایان یابد و کلیه مبارزین زندانی آزاد گردند .
- ۳- مسئولین جمهوری اسلامی ایران، با ورود هیئتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان بایسران، جهت بررسی وضع زندانیان موافقت نمایند .
- ۴- برگزاری جلسات دادگاه علنی بود و شرکت ناظرین بین المللی در آن تضمین گردد .

## کنفرانس مطبوعاتی درایتخت دانمارک بار دیگر جنایات حاکمیت جمهوری اسلامی را افشامی کند

کپنهاگ، دوشنبه بیست و دوم اوت ( سی و یکم مرداد ماه )

در اینروز بابتکار " کمیته همبستگی با زندانیان توده های " در دانمارک، یک کنفرانس مطبوعاتی، با شرکت خبرنگاران رادیو و مطبوعات دانمارک، خبرگزاری تاس، روزنامه ارگان حزب کمونیست دانمارک، ارگان سازمان جوانان کمونیست، روزنامه های محلی، نمایندگان احزاب و سازمانهای دمکراتیک، داخلی و خارجی و رفقای حزب توده ایران، بمنظور افشای جنایاتی که در زندانهای جمهوری اسلامی، میگذرد، برگزار گردید . جلسه با سخنرانی رفیق یورگنس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک

بقیه در صفحه ۱۵

# از کدام موفقیت‌های چند

بقیه از صفحه ۱

می‌گویم (چرا خلاصه و سرریسته؟!): بنام مصلحت نباید واقعیت‌ها را کتمان نمود و از ترس جو سازی‌ها حقیقت را فدای حمایت از گروه‌ها و باند‌ها، خود را قیم قانون ندانید، بلکه مجری قانون باشید. . . . و بیش از این اجرای قانون را به تأخیر نیندازید، که خود تخلف از قانون است. هر همچنین به وزارت آموزش و پرورش در رابطه با عملکرد نامطلوب هیئت بدوی نیروی انسانی آموزش و پرورش تذکر داد و گفت:

"ساواکیها و افراد ناصالح را بکار پروردگانه‌اند و اشخاص مؤمن و پاک را از روی غرض‌رزیها و انتقاد سازنده بازنشسته و آماده بخدمت نمودند."

چنین است فقط گوشه‌ای از "موفقیت‌های چشمگیر" در عرصه سیاسی - اجتماعی در پنجمین سال پیروزی انقلاب. اظهارات این د و نفر از حامیان رژیم چنان گویاست، که نیازی به تفسیر ندارد. هر دو آنان با طرح مسائلی، از قبیل هرج و مرج حاکم بر جامعه، لگد مال شدن قوانین، باند بازیها، خود محوریتها، کتمان حقایق و بازگرداندن ساواکیها، زرقای فساد موجود را فاش می‌سازند.

حال بازتاب "موفقیت‌های چشمگیر" را در دیگر عرصه‌های زندگی، باز در همان شماره "اطلاعات" دنبال می‌کنیم. در بخش "مذاکرات مجلس" گفته می‌شود، تذکرات نمایندگان به مسئولین اجرایی کشور بشرح زیر قرائت شد:

- نمایندگان آبادان در مورد وضع اسفناک پرسنل و اعزام پزشک و پیرا پزشک و تأمین وسائل پزشکی؛

- نماینده بجنورد پیرامون نقش تورم و گرانی و تأثیر بد آن در زندگی اقشار کم درآمد جامعه و نیز در زمینه نحوه قیمت گذاری تولیدات کشاورزی؛

- نماینده گچساران در مورد عملکرد مسئولین این استان و کنار گذاردن نیروهای بومی، دربارہ بی‌آبی در روستاها، عدم بهداشت و درمان، فقدان نظارت بر توزیع عادلانه کالا؛

- نماینده خلخال پیرامون وضع نابسامان آموزش و پرورش و لزوم بازگشت به کار افسران اخراجی بی‌گناه و توزیع عادلانه ارزاق و کالا در منطقه؛

- نماینده کارون درباره ضرورت مبارزه با احتکار و گرانفروشی در بخش‌های دولتی و تعاونیها و بخش خصوصی.

می‌گویند مشت نمونه خروار است. آنچه تنی چند نمایندگان مجلس درباره مشکلات حوزہ های خود یاد آوری می‌کردند، شامل سراسر کشور است. در همه استانها و شهرستانها و بخش‌ها و روستاها مردم با کوهی از دشواریها، فلاکت‌ها و ویرانی‌ها روبرو هستند. باند بازی، گروه بازی، استبداد رأی و خود محوریتی، که زائیده کتبه پستی و قشری اندیشی است، جز این هم نمی‌تواند ثمری بیبار آرد.

خود ببینند و امور جامعه را در بهترین وضع موجود ببینند. . . .

روحیه‌ای که نویسنده رهبران را از آن پر - حذر می‌دارد، هم اکنون در میان آنان حکمفرماست. وقتی مقامات عالی جمهوری اسلامی مسائلی چون مبارزه روحانیت بر سر قدرت، گرایش به اشرافیت و سقوط در ورطه خود محور - بینی را به میان می‌کنند، آیا معنایش جز این است که دست اندرکاران مؤثر فرامورد در بستر نرم فریفتگی و غرور فرورفته و امور جامعه را در بهترین وضع می‌بینند و یا به دیگر سخنان به انقلاب پشت کرده‌اند؟

تصادفا خود نویسنده مقاله نیز در زمهره اینگونه افراد است، او، که به دیگران اندرز می‌دهد، چند سطر پائین تر دچار همان غرور و نخوت می‌شود و می‌گوید، "میاد" قوم موفق "خود را دست کم بگیرد و موفقیت‌های چشمگیر خویش را کم ارزیابی نماید و بهای لازم را بدانها ندهد!"

کدام موفقیت‌های چشمگیر؟ برای پاسخ صریح و روشن و مستند باین سؤال پر دور نمی‌رویم و به نوشته‌های همان شماره "اطلاعات"، که مقاله "دوسوی بام انقلاب" درج شده استناد می‌کنیم. بعبارت دیگر، از "اطلاعات" علیه "اطلاعات" مددی بگیریم.

در صفحه ۱۴ در بخش "گزارش مجلسی" نماینده آمل طی سخنرانی پیش از دستور ضمن انتقاد هرج و مرج در حاکمیت، دخالت افراد غیر مسئول در امور "عمل آنها را موجب دلسردی و کناره گیری افراد دلسوز و متعهد و در نهایت خطری بزرگ برای انقلاب اسلامی" شمرد و از مقامات عالی رتبه خواست، تا "بسا اعزاز یک هیئت (با) تفهیم و تبیین موفقیت هر کس و حدود و صلاحیت و میزان دخالت اشخاص و افراد در کارها، به این بی‌نظمی و تداخل کارها و لوٹ مسئولیتها خاتمه دهند".

نماینده گچساران موضوع هسرج و مرج و پوسیدگی از درون را بیشتر می‌شکافد و می‌گوید "خطری، که انقلاب را تهدید نموده و می‌نماید خطر خصلت گرائی و باند - بازیها، منیت‌ها و خود محوریتهاست، که قهرا منجر به تنگ نظریها و منزوی نمودن اکثر نیروهای دلسوز خواهد شد و "مطمئنا، در نهایت موجب بی‌تفاوتی مردم در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه خواهد گردید". وی در ادامه سخنانش در رابطه با قانون شکنی‌ها و حق - نشی‌ها از شورای عالی قضائی می‌خواهد تا به "مسائل جدی تر برخورد کرده و به نظرات سازمان بازرسی کل کشور توجه بیشتری نماید که یا حمایت از آن تخلفات کمتر و حاکمیت قانون در کشور بیشتر شود."

نماینده گچساران در بخش دیگر سخنرانی از سخنانش اظهار داشت:

"به وزارت کشور بطور خلاصه و سرریسته

پاسداران " و ارتش و غیره " در دام خود - محوری "، از بزرگتر کردن عیب رقبا و کوچکتر نشان دادن هیب خود، از گرایش "روحانیون به اشرافیت" و غیره سخن می‌گویند.

تکرار این اعلام خطرها از جانب سران رژیم در هفته‌های اخیر بیانگر تزلزل و عدم ثبات است. بویژه اگر در نظر بگیریم، که همین آقایان، در گذشته نه چندان دور، از "تثبیت وضع" و از "یکپارچه شدن جامعه و امت" پس از نیمه دوم سال ۶۰ دم می‌زدند. مثلا، ۱۰ مهرماه ۱۳۶۱ رئیس دیوان عالی کشور اظهار داشت:

"ما سال ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ را با تمام مصائبش پشت سر گذاشتیم و جامعه و امت ما بلطف پروردگار از نیمه دوم سال ۶۰ یکپارچه شروع بخدمت کرد و پیشرفت و الحمد لله نتیجه هم بسیار خوب بود و وضع ما تثبیت شد و این حرف شعار نیست، بلکه عملکرد و گزارش‌های رسیده از مشکلات این حقیقت را نشان می‌دهد."

حقیقت آنستکه نه بعد از نیمه دوم ۶۰ و نه بوجه احسن در نیمه اول سال ۶۲ از ثبات خبری نبود و نیست و همه آنچه پیرامون تثبیت وضع بیان می‌شود، شعار میان تهی است.

معمولا وقتی خطر نزدیک است، بلند گویان تبلیغاتی گام در عرصه می‌گذارند و می‌کوشند تا گشودن دریچه اطمینان غلبان افکار عمومی را فرو نشانند. در این مورد مقاله "دوسوی بام انقلاب" مندرجه در شماره ۲۹ تیرماه "اطلاعات" جلب نظر می‌کند. نگارنده نگرانی و نگرانی هراس سران جمهوری اسلامی را از خطری، که در کمین است، حلاجی کرده و برای کاهش حدت و شدت آن بروال همیشگی به شیوه‌های روزنامه نگاری رایج در جمهوری اسلامی پناه می‌برد.

او می‌نویسد:

"خطر نخست آنستکه کل مردم و رهبران آنان و یا حداقل دست اندرکاران مؤثر در جریان امور، فریفته و مغرور گردند، بگونه‌ای که از اندیشه درباره اشتباهات و به سامان ساختن نابسامانی‌ها و باز پرس نشستن بهنگام پیشروی‌های نادرست و صیقلی کردن امور ناتراشیده، به جاده هموار توجیه و تفسیر و تعبیر و تاویل کزی‌ها و کاستی‌ها بیفتند."

اگر "کل مردم" را، که شرکتی در اداره امور ندارند و مالا در زایش نابسامانی‌ها و کمبودها و اشتباهات و "صیقلی کردن امور" - تراشیده و "بیاخره در توجیه و تفسیر کزی‌ها و کاستی‌ها نقشی نداشته‌اند، کنار بگذاریم، مسببین اصلی بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کنونی را باسانی می‌توان شناسائی کرد. به نوشته "اطلاعات"، آنها عبارتند از رهبران و دست اندرکاران مؤثر در امور. مخاطب نویسنده نیز آنانند. وی رنگ خطر را بسرای آنها بصدای می‌آورد و می‌نویسد، فریفتگی و غرور ممکن است سخت پیش‌برود و "رهبران را در بستر نرم و راحت و آسوده خیالی قرار دهد، بگونه‌ای که همه عالم را مدیحه خوان و ثناگوی



# گیرسخن می‌گویند؟

نویسنده "اطلاعات"، که دروغ را جای تعیت می‌نماید و پیرامون "موقفیت‌های چشمگیر" قلمفرسایی می‌کند، حتی بخود زحمت زایدی گزارش مدراج در صفحه ۵ روزنامه را داده است. در این صقحه گوشه‌ای از زندگی اکتیوار ۴۸۰۰۰ خانوار چایکاران لاهیجان بهار سال پس از پیروزی انقلاب ترسیم شده است. ۸۸ درصد از چایکاران منطقته رای باغ‌های چای کتسر از یک تنسار هستتند - برای درک چگونگی موقفیت‌های چشمگیر "دهقانان رشته سخن به گزارشگر "اطلاعات" و چایکاران محروم و هیجان می‌دهیم.

گزارشگر "اطلاعات" می‌نویسد: "گرما پیدا می‌کند و کار کردن زیر آفتاب اقی فرساست. عرق تمام جسمان را گرفته گفتی با لباس زیر دوش آب رقتایم. اما بد تو ما کشاورزانی هستند که در دامنه کوه (بسر برند) جائیکه نور آفتاب مستقیم بر سرشان می‌

پد... اهالی این منطقه و مناطق اطراف از کم آبی چ می‌برند. دهها هزار خانوار از آب نوشیدنی کشاورزی محروم هستند و برای "تامین آب برنی خود باید مسافت طولانی راه طی کرده از کوه سرازیر شوند تا به آب دسترسی پیدا ند و نیز برای آب کشاورزی چشم به آسمان یخته‌اند. کمبود آب تنها مشکل ایسن اطنق نیست، بلکه نبود حمام، مدرسه، نبود کانات رفاهی، فقر و تنگدستی از دیگر بخصه‌های این مناطق است."

اکثر خانه‌های مسکونی کمتر شباهتی به نه دارد. یک اطاق بدون پنجره، بدون آب برق محل مسکن دهها هزار خانوار در این طقه است. آقا جان بابائی، یکی از چایکاران، گوید:

"ما چایکاران شمالی که جمعیتی حدود ۴۰ هزار نفر هستیم، حاضریم کلیه دارائی‌های خود را با دارائی‌های عاملان عرضه چای به بار مصرف، که تنها ۲۰ نفر هستند، عوض می‌. البته اگر این ۲۰ نفر حاضر شوند در این مامله ضرر نکنند. چرا که مایملک همه ما ۴۰۰۰ بار نفر چایکار شمالی از مایملک ۲۰ نفر عاملین سطره چای کمتر است."

و این یکی از "موقفیت‌های چشمگیر" در بهوری اسلامی است. چایکار لاهیجانی با محاسبه ساده زرفسای فقر و ثروت را در رض قضاوت خوانندگان می‌گذارد. آقای بابائی ۶۰ ساله، یکی دیگر از چایکاران، گوید که از کودکی مشغول این کار است و برش را نیز روانه جیبه جنگ کرده است. "ته وی، پولی که کارخانه بابت هر کیلو برگ از چای به کشاورز می‌دهد، ۶۲ ریال است. حالیکه طبق برآورد مسئول بررسی قیمت‌ها، کیلو برگ سبز چای برای کشاورز چایکار ۸۲

ریال تمام می‌شود. این بدان معناست، که چایکاران در هر کیلو برگ سبز چای ۲۰ ریال ضرر می‌کنند. باخت چایکاران به اینجا خاتمه نمی‌یابد. آقای علی بابائی می‌گوید:

"من کشاورز چایکار، که تنها سرمایه‌ام باغ چای است می‌توانم با پول دریافتی از فروش برگ سبز چای یک کیلو برنج بخرم؟ آخر می‌دانید، یک وقتی ما کشاورزان چایکار یک کیلو چای می‌فروختیم، یک کیلو برنج می‌خریدیم. اما حالا باید حداقل ۱ کیلو چای سبز بفروشیم، تا یک کیلو برنج بخریم. این است وضع ما چایکاران شمالی."

داستان تراژیک چایکاران لاهیجان نمودار زندگی مشقت‌بار میلیونها دهقان کم‌زمین و بی‌زمین در جمهوری اسلامی است. "موقفیت چشمگیر" میلیونها دهقان ایرانی، زندگسی در سرحد مرگ و زندگی **پارمغان آوره** است. برتو این حقایق وحشتناک تبلیغات گسترده ارگانهای تبلیغاتی پیرامون "فعالیت‌های بیسابقه" "جهاد سازندگی" "پیشروی ارزش-ندارد."

اما شاید جمهوری اسلامی حداقل در زمینه های اخلاقی، که ترجیح بند هر سخنرانی و خطبه‌ایست به موقفیت‌های نائل گشته و فساد و دزدی و آدم‌کشی و قاجاق را ریشه کن کرده است؟ به صفحه ۱۳ روزنامه "اطلاعات" ۲۹ تیر ماه مراجعه کنیم. این صفحه روزنامه کویچترین فرقی با صفحات مشابه روزنامه دردوران رژیم شاه معدوم ندارد. ما فقط عناوین برخی از اخبار روز را در زیر نقل می‌کنیم:

"۱۵ کیلو مواد مخدر در گنبد کشف شده"، "کشف مواد مخدر - ارزاق عمومی و لوازم خانگی قاجاق در اصفهان"، "جوانی در قم خود را حلق آویز کرد"، "دو افغانی با تهدید چاقو قصد داشتند کودک ۶ ساله‌ای را بزدند"

پدیده نوین در جمهوری اسلامی "ناپدید شدن جوانان است. در هر شماره "اطلاعات" چند آگهی در این زمینه می‌توان یافت. در شماره مورد بحث نیز دو آگهی درباره "ناپدید شدن دو جوان، بنامهای یداله قانادی و عزیز-اله چراغچی" زینت "بخش صفحه ۱۳ روزنامه است. پس از پیروزی انقلاب هزاران نفر جوان از منزل خارج شده و دیگر به کاشانه خیسود مراجعت نکردند. آیا سران رژیم که شب و روز در کرنای تبلیغاتی "فد امپریالیستی" می‌دند، نمی‌دانند هنوز هم فیلم‌های بنجل آمریکائی در سالنهای سینما روی پرده می‌آید؟ "کوما؟" نوری بر فراز دار" و غیره، که تماشا می‌آنها در صفحه ۱۳ "اطلاعات" عینا مانند گذشته، تبلیغ می‌شود، نمونه‌ای از اینگونه فیلم‌هاست. مسئولین امر با این عمل دانسته و یا نادانسته نقش مبلغین "شیوه زندگی آمریکائی" را ایفا می‌کنند.

اگر اخبار تعقیب مستمر دگراند ییشان، دستگیری و زجر و قتل دگراندیشان را به آنچه

بر شمردیم بیفزائیم، تصور درباره آنچه مبلغین رژیم "موقفیت‌های چشمگیر" می‌نامند، کاملتر خواهد شد. ولی نویسنده مقاله "دوسوی بام انقلاب" منکر حقیقت است و واقعیت در نوشته وی به نحو مسخ شده‌ای عرض اندام می‌کند. در مقاله می‌خوانیم:

"۰۰۰ تردید جدی داریم، که این مردم آگاهانه و به عهد به یکباره عهد قدیم را فراموش کرده باشند و برای کاستی‌ها و کمبودهای ناله کنند و گله و شکایت نمایند، که بخش عمده آن از یکسو ناشی از غیر فعال بودن برخی از مبادی ورودی کشور به علت جنگ است، و از سوی دیگر، سرچشمه آنها باید در افزایش مصرف در سراسر کشور، به دلیل توزیع وسیعتر و توسعه مصرف مواد اولیه و اساسی در روستاهای دانست، که در زمان طلاوت بعنوان مردم و جمعیت این کشور به حساب نمی‌آمدند."

منظور نگارنده از "غیر فعال بودن برخی از مبادی ورودی کشور" عدم امکان افزایش واردات است. او در واقع می‌گوید، اگر جنگ نمی‌بود، دروازه‌های کشور را همانند دوران رژیم باز می‌کردند و در قبال صادرات فزاینده نفت خام ما یحتاج عمومی را وارد می‌کردند. باید خاطر نشان ساخت، که در این زمینه نیز جمهوری اسلامی به "موقفیت‌های چشمگیری" در قیاس با گذشته دست یافته و واردات کالا، حتی بدون خرید اسلحه و تجهیزات نظامی، بسر حید ۱۵ میلیارد دلار در سال رسیده است.

و اما برای رد نظر با اصطلاح "توزیع وسیعتر" و توسعه مصرف در روستاها نیازی به ارائه برهان و دلیل نیست. چایکاران لاهیجان با یک محاسبه ساده نشان دادند، که اگر در گذشته در ازاء یک کیلو برگ چای سبز یک کیلو برنج می‌خریدند، امروز برای یک کیلو برنج ۱۰ کیلو چای سبز تحویل می‌دهند. آیا با وجود این می‌توان از افزایش مصرف در روستاها سخن پمیان آورد؟ نویسنده "دوسوی بام انقلاب" با اصرار می‌گوید:

"اگر این نارضائی و ناراحتی، که با توجه به معرفت اجتماعی این قوم نباید باشد و هست، دلیلش را باید در "بازگریه‌های دشمنان و جنگ روانی تا جوانمردانه علیه انقلاب جستجو کرد." می‌گویند قریحه و استعداد مانند پول می‌ماند، یا هست و یا نیست. نارضائی گسترده و عمیق نیز با وجود دارد و یا ندارد. نگارنده مقاله می‌گوید، نارضائی عینی موجود محسوس "جنگ روانی" دشمنان است. نارضائی کالا نیست، که بتوان آنها را وارد کرد. با جنگ روانی می‌توان نارضائی را دامن زد. بنا بر این نارضائی فراگیر بطور عینی وجود دارد و زائیده تخیل این‌و آن و یا نتیجه "بازگریه‌های دشمنان" نیست.

باید دید، آفرینندگان نارضائی عمومی چه کسانی هستند. ما هم مانند توده‌های میلیون‌زحمتکش آن معتقدیم، مقصرین اصلی وضع فلاکت‌آرکنونی را باید بطور عمد در میان گردانندگان اهرمهای اصلی مملکتی جستجو کرد. زیرا آنانند که با کردار و گفتار خویش، با عدم اجرای اصلاحات بنیادی، با ایجاد خفقان و ترور و با ادامه جنگ و با پشت کردن به اهداف اولیه انقلاب، آب به آسیاب "جنگ روانی" میریزند.

# همبستگی محرومان جهان ونه "وابستگی"

اینک سالیان درازی است که امپریالیسم و ارتجاع بین‌المللی از شیوه کثیف پستن تهمت و افترا و اتهام "وابستگی" به تمام نیروهای ترقیخواه در جهت اهداف پلید خود استفاده میکنند. اعمال این شیوه برای بار اول نیست و تازگی ندارد. هر زمان و هر لحظه که فردی، گروهی، سازمانی و حزبی از مردم و خواستههای زحمتکشان در جهت تحقق اهداف آزادیخواهانه، استقلال طلبانه و عدالت‌پژوهانه دفاع کرد و از هیچ کوششی، حتی از جان خود، در این جهت دریغ نورزید، به آن "مهر" وابستگی به اتحاد شوروی زده شده و میشود.

این وابستگی نیست؛ این همبستگی محرومان جهان است که بدون در نظر گرفتن تعلق ملی، قومی و مذهبی در مبارزه علیه استثمارگران جهان و علیه نیروهای تجاوزگر و غارتگر همراه با تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی همکاری میکنند. اینک، یکبار دیگر مردم ایران شاهدند که چگونه ارتجاع و امپریالیسم با توسل به این "سیا" ست و هیستری شوروی ستیزی و ضد مردمی، جنگ صلیبی ضد کمونیستی را به راه انداخته‌اند و به لجن پراکنی به حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران، و مبارزان راستین راه آن پرداخته‌اند، تا تلاش آنها را برای تحقق عدالت اجتماعی لکه دار سازند. "راه توده" در زیر نظر حزب را در اینبار که در پرسش و پاسخ ۹ مرداد ۱۳۶۱ آمده است، تجدید چاپ می‌کند:

ساواکی‌ها را بگیریم. آن‌ها غالباً افراد وزده‌ای بودند؛ فاسد، عیاش، قمارباز، عرق خور، تریاکی و هروئینی. این‌ها خودشان را در اختیار قدرتمندان می‌گذارند و به هر جنابیتی حاضر هستند. حاضرند شکنجه بدهند و آدم بکشند تا از زندگی مرفهی برخوردار باشند. شما ببینید یک ساواکی در دوران محمدرضا چه می‌کرد؟ خانمش می‌رفت توی مغازه جواهر بخرد. شوهرش برای این که "فکر می‌کرد" به خانم توهین شده، هفت تیرش را درمی‌آورد و یک نفر را می‌کشت و هیچ کاری هم نمی‌کردند. این ساواکی معلوم است که باید وابسته باشد. وابستگی اش برای این زندگی است. میان تمام کسانی که وابسته به غرب هستند، شما یک نفر را پیدا نمی‌کنید که برای چشم و ابروی آقای ریگان یا خانم تاجر به آمریکا و انگلیس وابسته باشد. آنها برای منافع مادی حربه‌هاشان به قدرت‌های بزرگ وابسته‌اند و عامل قدرت‌های بزرگ خارجی می‌شوند تا سیاست سودجویانه آن‌ها را به کشور خودشان تحمیل کنند.

حالا بیا باید توده‌های‌ها را ببینید. توده‌های‌ها با اسلافشان الان شصت سال است که در ایران فعالیت می‌کنند. از حیدر عمو و غلی تا حالا. حال ببینیم این‌ها از لحاظ مادی چه وضعی داشته‌اند و دارند. این‌ها در این شصت سال جز محرومیت، جز زندان، تبعید، شکنجه، اعدام از لحاظ مادی نصیب دیگری نداشته‌اند و به این نصیب هم واقعا افتخار می‌کنند. خیلی از این افراد توده‌ای از روشنفکران نامی بودند و به حق می‌توانستند زندگی کاملاً مرفهی داشته باشند. اما سرپای زندگی این‌ها را که الان بردارید می‌بینید قالی که هیچ، حتی یک لحاف ندارند که رویشان بیاورند. باید خانه، دوستانشان زندگی کنند و از آن‌ها کمک بگیرند. خوب، این‌ها برای چه چیزی "وابسته" باشند؟ برای چه هدفی "وابسته" باشند؟ اگر "وابستگی" این است که منافع خلق خودشان را در اختیار کشور دیگری بگذارند، این باید نفعی برایشان داشته باشد. والا باید گفت که این‌ها بیمارند، دیوانه‌اند و آدم باید به بیماری خاصی مبتلا باشد که به قیمت زندان و تبعید و اعدام، منافع زحمتکشان ایران، منافع کارگران ایران را فدا کند و بدهد به "روس‌ها". شما اگر تعداد مجموع سال‌های زندان توده‌های‌ها را حساب کنید، به هزارها سال می‌رسد! این‌ها باید واقعا دیوانه باشند اگر با چنین وضعی "وابستگی" را بپذیرند. اما ظاهراً کسی برای توده‌های‌ها خصوصیت "دیوانگی" قائل نیست. برعکس همه آن‌ها را افراد بسیار باهوش، عاقل و زیرک می‌دانند. فعالیت شصت‌ساله ما و اسلاف ما نشان داده است که ما به ازای هزاران سال زندان و هزاران شهید چیزی جز شکنجه و زندان و تبعید و اعدام نداشته‌ایم.

پس مطلب، برخلاف اتهاماتی که زده می‌شود، بر سر "وابستگی" نیست. مطلب بر سر عقیده است. ما با فلان جریان که در دنیا هست، هم عقیده‌ایم، زیرا منافع مشترک داریم. مثلاً ما با جنبش فلسطین که دارد برای تأمین حقوق ملی و حق حاکمیت خودش علیه صهیونیسم و امپریالیسم می‌جنگد، منافع مشترک داریم، برای این که دشمن هر دو ما مشترک

مسئله دومی که مطرح شده (از سوی روزنامه "جمهوری اسلامی")، مسئله "وابستگی" حزب توده، ایران به اتحاد شوروی است. خوب این یک افترا و تهمت است و تهمت هم مطابق قانون اساسی ایران، مطابق تمام قوانین جرم است. ولی خوب دوستان ما زور دارند و چون زور دارند می‌پندارند که می‌توانند هرگونه جرمی را هم بدون انتظار کیفر به خود اجازه دهند. حزب توده، ایران بارها، علیه این اتهامات اعلام جرم کرده و هیچ دادگاهی هم به آن رسیدگی نکرده است، برای این که، گفت ریش و قیچی دست همین دوستان است. ولی خوب حالا ما شبهه را بر این می‌گیریم که دوستانی که چنین مطالبی می‌گویند، عقیده ندارند که این اتهام است، افترا است، بلکه واقعا به صحت آن معتقد هستند. ما می‌خواهیم کمی توضیح بدهیم و ببینیم که آخر این "وابستگی" یعنی چه؟ "وابستگی" به یک قدرت بیگانه برای افرادی که واقعا به آن تن درمی‌دهند، چه هدفی باید داشته باشد؟ نمونه‌هایی از وابستگی واقعی را در نظر بگیریم. مثلاً امیران نظام را. ما می‌دانیم که او وابسته بوده و ثابت هم شد که وابسته به امپریالیسم آمریکا است. چرا؟ برای این که از سوی شرکت آمریکایی نمایندگی داشته، از راه نمایندگی سود می‌برده. در آمریکا پول داشته، خانه داشته و زندگی اش از راه این وابستگی تأمین می‌شده و خیالش هم راحت بوده است که هرکاری بکند در دوران محمدرضا اتفاقی برایش نخواهد افتاد، برای این که اربابان محمد رضا یعنی امپریالیسم آمریکا، "سیا" حفظش می‌کنند و حفظ هم کردند. امید دیگر او این بود که هر وقت آن‌ها لازم بدانند، به قدرت هم می‌رسد. یا آقای سرمایه‌دار وابسته را در نظر بگیریم. این آقای سرمایه‌دار چرا به آمریکا، یا آلمان غربی، یا انگلیس وابسته است؟ برای این که نمایندگی شرکت‌های بزرگ امپریالیستی را دارد. اجناس آن‌ها را وارد می‌کند، کارخانه مونتاژ آن‌ها را وارد می‌کند، از کارگران زحمتکشان ایران سوده‌های کلان می‌برد، میلیون‌ها و میلیون‌ها ثروت ملی ما را به ارز تبدیل می‌کند، در اسپانیا، در کالیفرنیا، در آمریکا لاتین، در همه‌جا دنیا، خانه می‌خرد، باغ می‌خرد، جزیره می‌خرد، خانواده‌اش را می‌فرستد به تمام نقاط جهان برای گردش و تفریح و همان‌طور که آقای هادی غفاری گفت با یک اعضای ساده ۱۲۰ میلیون تومان سود می‌برد. خوب چنین عنصری دلیل وابستگی روشن است. از آن بهره می‌برد. تمام کوشش او هم این است که وابستگی کشور ما را به امپریالیسم واردیگر تجدید کند تا این زندگی، این سود و این بهره‌کشی را ادامه دهد.

بزرگ مالک را بگیریم. بزرگ مالک از دولتی که وابسته به امپریالیسم است، حمایت می‌کند تا به کمک ژاندارم مردم را غارت کند. یعنی همان‌طور که در آن مصاحبه شرح آمده است و ماحرف زیاد دیگری نداریم که به آن اضافه کنیم. این بزرگ مالک خون زحمتکشان را که با وضع رقت‌انگیزی در دهات ایران زندگی می‌کنند که برای جامعه، امروزی‌تر است، می‌مکد و به عنوان یک ارباب و فرمانروا با آنان رفتار می‌کند، وقتی بچهاش از کوچه رد می‌شود، همه باید بروند قائم شوند که مبادا بوی عرق نتشان شامه، سعید خان را ناراحت کند.

# همبستگی محرومان جهان و نه «وابستگی»

همه آنها علیه جنایات طبقات حاکم، علیه ستمگران مبارزه می کنند. پس مبارزه محرومان جهان بی تفاوتی نیست که باید با اتحاد آنها، همبستگی محرومان است. روی این همبستگی خود جمهوری اسلامی هم تأکید می کند، ولی عمل برخی از نمایندگان کابینه علیه مستضعفان و به سود مستکبران از گارد می آید. به سبب در مورد افغانستان از طرف محافظی از جمهوری اسلامی چه موضعی گرفته شده. قطب زاده وزیر خارجه پیشین ایران در مورد افغانستان به نفع چه کسانی عمل می کرد؟ به نفع پاکستان، به نفع ترکیه، به نفع آمریکا، آن هم کاملاً آگاهانه. و این قطب زاده متأسفانه نه شجاعت و نه اخروی. ولی ما به همبستگی زحمتکشان جهان اعتقاد اصولی راسخ داریم. همبستگی در مبارزه علیه استثمارگران جهان، علیه انحصارهای بزرگ بین المللی، علیه امپریالیسم تجاوزگر و غارتگر، یکی از اصول اساسی فعالیت اجتماعی و سیاسی ما است. ما با کشورهای سوسیالیستی، با جنبش های آزادی بخش ملی، با تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی که در مقابل این با آن نوطقه امپریالیسم مبارزه می کنند همبستگی داریم، دوستی داریم و هر جا نتوانیم در این مبارزه با آنها همکاری می کنیم. پس این همبستگی را وابستگی نامیدن و افترا و تهمت زدن کار بدیستی نیست. ما مخصوص به آن مبارزان بیرو خطا امام که خیلی روی موازین اخلاق اسلامی تکیه می کنند و تهمت زدن را یکی از گناهان کبیره می دانند، توجه می دهیم که این تهمتها اخلاقی نیست، انسانی نیست، بلکه جرم است و از کسانی که مدعی اخلاق اسلامی هستند، بعید است که چنین تهمتهایی را به خود اجازه دهند.

است. پس پشتیبانی ما از جنبش فلسطین علیه صهیونیسم را که ظاهراً ربطی به ما ندارد، نمی شود «وابستگی» نامید. همین طور که مثلاً پشتیبانی مسلمانان مبارز عراقی از خط امام خمینی و از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نمی شود، «وابستگی» مبارزان عراقی به حکومت ایران نامید. آیا به یک مبارز کوبایی که می رود در آنکولا علیه نژادپرستان می جنگد، می شود گفت که آقا تو وابسته به حکومت آنکولایی؟ آخر او غیر از این که جنبش را در راه حفظ آزادی و استقلال خلق آنکولا علیه نژادپرستان آفریقای جنوبی می دهد، چه چیزی از آنکولا می گیرد؟ این «وابستگی» نیست، این همبستگی محرومان جهان است و منحصر به امروز و دیروز هم نیست. از وقتی که آگاهی مردم محروم در جامعه بشری به سطحی رسیده که برای برانداختن ستمگری به مبارزه جمعی برخاسته اند، این همبستگی بدون در نظر گرفتن تعلق ملی، بدون در نظر گرفتن معتقدات مذهبی، بدون در نظر گرفتن زبان و غیره وجود داشته است. در زمان های بسیار دور هم ما نوطه های فراوانی را سواخ داریم، که گروه هایی از یک کشور به کشور دیگر می رفتند برای این که در مبارزه مردم آن با جزایر آزادی شرکت کنند. آن زمان هائنه کیوشیم وجود داشته، اتحاد شوروی و نه تقسیم کوبی جهان؛ یکی از مبارزترین نمونه های آن نوطه اعلام است. امروز شعار جمهوری اسلامی ایران این است که مستضعفان جهان متحد شوید. اما این مستضعفان جهان که هفتاد و شش درصد از جمعیت بشری هستند، این مستضعفان جهان چهار میلیارد مردم جهان هستند. این ها به زبان های مختلف صحبت می کنند. مذاهب مختلف دارند، عقاید مختلف دارند، ولی

ها می تواند از طرف خانواده های آنان باشد و یا اینکه از طرف گمشده ها و سیاه پستانان که در بی آنان هستند و یا امکان دارد که سازمانهای تروریستی همچون «سیت» در باختران به دنبال جوانانی باشند که به دگر اندیشی و دفاع از انقلاب مشهورند. امکان این نیز وجود دارد که خانیهان که در دستشان به خون این جوانان آغشته شده این آگهی ها را داد هاند تا دستهای خونین خود را پنهان سازند و گذشته از این جوانان، از همزاران تودهای فدائی و خود را در مبارزه مرئی کادر رتبه چهارم ۱۰۱۰ از اسپرینگ فیلد هیچ شائبه ای در دست نیست. همه محل نگاهداری آنان روشن است و نه حتی یکبار اجازه ملاقات با این جوانان بر روند میسر به خانواده های آنان داده شده است. تود ما بهایی که تمام نیروهای خود را در راه حراست از انقلاب گذاشته اند و بازو اشتکاهای پنهان و آشکاره میسوند و کسی جفاي داند که چه بر سر آنان آمد ما ستم این مبارزان را به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در همین ماه هیچ گاه می چز دفاع از منافع زحمتکشان مرتکب نشد هاند.

در جهان نمونه های دردی ناکافی از چنین «گمشده» هایی بیوژه در آمریکای لاتین داریم: در آرژانتین چندین سال است که سه چهارشنبه هر هفته مادرانی چنین «گمشده» هایی در میدان پایتخت راهپیمایی می کنند و هر سال نیز گروه گروه از اجساد این «گمشده» ها در گورستان های جمعی و در اطراف پلادگان های ارتشی پیدا میشوند. آیا گمشده های ایرانی جزیره میزنوش «گمشده» های آرژانتین هم چنان شیده هاند؟

## برای این «گمشده» ها چه اتفاقی افتاده است؟

سپهبدان آزاد از تاریخ ۱۳۲۲/۲/۲۵ از منزل خود در باختران خارج شده اند و تا کنون مراجعت نکرده اند. در تمام این آگهی ها میخوانند که گمشده از تاریخ ۲۵/۲/۲۲ (۲۵) اطلاعی ندارند به آدرس باختران (۲۲) کوی به شعله تلگراف واحد اطلاع دهند و خانواده های (۲۲) را از نگرانی نجات دهند.

این گوشه های از واقعیات در جامعه ای است که قانون شکنی به سیاست رسمی حکومت تبدیل شده است. درباره علت مفقود شدن این گمشدهگان می توان احتمالات فراوانی را برشمرد. این آگهی

این روزها دیگر دیدن آگهی اشخاص گمشده در روزنامه ها به یک امر عادی تبدیل شده است. حتی عکسهای دختران و پسران نوجوانی را که در راه مدرسه مفقود شده اند و یا در جستجوی کار به تهران رفته اند و دیگر خبری از آنها نشده هر روز در روزنامه ها می توان دید «ولی گمشده» هایی که در شماره های مختلف روزنامه اطلاعات و ... در ماه مرداد به چاپ رسیده است از شمار گمشدهگان عادی و معمولی هستند، بلکه متون تمام این آگهی ها با جملات یکسانی تنظیم شده که اعلام می کند:

صاحب عکس بالا پنهان  
صاحب عکس بالا پنهان  
صاحب عکس بالا پنهان  
صاحب عکس بالا پنهان  
صاحب عکس بالا پنهان  
صاحب عکس بالا پنهان

صاحب عکس بالا پنهان  
صاحب عکس بالا پنهان  
صاحب عکس بالا پنهان  
صاحب عکس بالا پنهان  
صاحب عکس بالا پنهان  
صاحب عکس بالا پنهان

# در هفته‌ای که گذشت:

فیصله‌های مالی به یغما می‌برند. همانطور که اطلاع دارید واشنگتن در دسامبر سال ۱۹۷۹ بدون هیچ دلیل و اساسی ایران را به عنوان کشور فاقد قوهٔ پرداخت اعلام کرد و با نقض قوانین بین‌المللی، سپرده‌های ایران در بانکهای آمریکا را به مبلغ ۱۴ میلیارد دلار مسدود کرد. سوداگران آمریکایی همچون ملخ به این ثروتهای مردم ایران هجوم آوردند. قابل توجه است که با وجود یک ۲ سال پیش توافق در مورد استرداد سپرده‌های ایران در بانکهای آمریکا با میانجیگری الجزایر حاصل شده بود، آمریکا از انجام این توافق سرسختانه امتناع می‌ورزید و چنانچه روزنامه‌های ایران خبر دادند، ایران نتوانست حتی یک پنجم پولهای خود را باز پس بگیرد. و این در حالی است که باند های آمریکایی پس از دگرگونی ثروتهای ملی ایران را تصاحب میکنند.

در اوایل سال جاری، آمریکا ایران را وادار کرده که مقدار هنگفتی پول به کمکون بانک نیویورک حواله کند. گرچه میزان این مبلغ فاش نشده، اما به گزارش مضبوطات این مبلغ به چندین میلیارد دلار بالغ می‌شود.

وزارت دارایی آمریکا در آن زمان اعلام کرد، که نمایندگان دیگر بانکهای آمریکا نیز میتوانند امیدوار باشند، که بتوانند در آینده نزدیک ذخیره ارزی خود را به حساب ایران افزایش دهند.

بانک صادرات و واردات آمریکا یکی از این بانکها بود و تا کنون ۴۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار متعلق به ایران به آن حواله شده است. ویلیام دره پیر رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا ضمن صحبت دربارهٔ این عمل دولت ج ۱۰۱۰ می‌گوید:

"محاقل مالی آمریکا از این عمل با حسن رضایت استقبال کردند."

این بار اول نیست که دولت مردان ج ۱۰۱۰ ثروتهای مردم ایران را به منظور حسن رضایت محافل امپریالیستی، به چپاولگران بین‌المللی اعطا میکنند. چنانکه مشاهده میشود چنین امتیازهایی، که محافل مالی آمریکا با امیدواری بدان می‌نگرند، اقتصاد وابسته، از هم گسیخته و بدون انسجام درونی ما را باز هم بیشتر در خود می‌بلعد.

در شرایطی که فقر مد‌هش، بیکاری میلیونی، قحطی و گرانی و عقب ماندگی گریبانگیر توده‌های زحمتکش میهن ما شده است، محافل حاکمه جمهوری اسلامی، رهبران و اعضا و هواداران حزب توده ایران - این مدافعان واقعی زحمتکشان - را به بند کشیده و راه را بسوی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا گشوده است.

## غرور و نخوتی که مقامات جمهوری بدان دچارند

نخوت و غرور یکی از بیماری‌های مزمن و خطرناکی است، که مقامات جمهوری اسلامی مدتهاست بدان مبتلایند. این مقامات چنان بقیه در صفحه ۱۳

و چه چیزی نه، هیچ نفعی در بررسی وسیع این فاجعه تلخ که ۲۵ سال اسارت در یوغ استبداد و امپریالیسم را برای مردم محسور و زحمتکش میهن ما در برداشتند از نداد! آنهایی که تحریف افکار عمومی و تحمق مردم را که اینترگرانه در میدان مبارزه آماده هرگونه فداکاری در راه میهن خود هستند، به وسیله رسیدن به اهدافشان تبدیل کرده‌اند، باید ۲۸ مرداد را با "توطئه سکوت" برگزار کنند!

## معرفی پنج وزیر جدید

بالاخره پس از چند هفته، از سوی نخست وزیر و وزرای جدید کار و بازرگانی، بحلاوه سه وزیر دیگر بجای وزرای کشاورزی، مسکن، معادن و فلزات - که بدون هیچ توضیحی از قرار معلوم برکنار شده‌اند - برای اخذ رأی اعتماد به مجلس معرفی شدند.

شایان توجه است که تا لحظه معرفی وزرای جدید به مجلس، هیچ کجا اعلام نشده بود که غیر از وزرای مستعفی کار و بازرگانی، دیگر چه کسی از کابینه کنار گذاشته خواهد شد. ولی ظاهراً رسانه‌های گروهی امپریالیستی منابع قابل اطمینانی در ایران دارند، از جمله روزنامه "فرانکفورتر آلگماینه" در آلمان فدرال هم - زمان با برکناری عسگر اولادی و توکل طوسی خبری، پسه خوانندگان خود اطلاع داد که چه کسان دیگری در کابینه آقای موسوی مشمول ترمیم قرار خواهند گرفت.

حال که وزرای جدید به مجلس معرفی شدند، معلوم گردید که پیش بینی یا بهتر بگوییم منبع اطلاعاتی این روزنامه صحیح بوده است. وزرای معرفی شده عبارتند از:

وزیر بازرگانی: حسن عابدی جعفری، وزیر معادن و فلزات: حسین ناجی، وزیر کسار: ابولقاسم سرحدی زاده، وزیر کشاورزی: عیسی کلانتری، وزیر مسکن: سراج الدین کارزونی. در جلسه روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی، وزرای بازرگانی و کار بترتیب با ۱۳۴ و ۲۱ رأی رأی اعتماد گرفتند و آراء سایر وزرای معرفی شده به حد نصاب لازم نرسید.

## امپریالیسم آمریکا دارایی‌های ایران را به یغما می‌برد

دولت ج ۱۰۱۰ بنا به اصرار ایالت متحده آمریکا مبلغ ۴۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار، ظاهراً بمنظور بازپرداخت بدهیهای خود، پسه جیب آمریکا وارپس کرد.

امپریالیستهای آمریکا مانند سابق ثروتهای مردم ایران را به بیانه پسه اصطلاح

## توطئه سکوت

### جرامطبوعات و رسانه‌های گروهی ج ۱۰۱۰ بی سروصدا از کنارسای امن سالگرد کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد گذشتند

۲۸ مرداد اسال مصادف بود با سی‌امین سالگرد کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. این کودتا باعث آن شده که با سرکوب جنبش مردمی خلق و بیش از همه حزب توده ایران، تسلط امپریالیستهای آمریکایی و رژیم دیکتاتوری شاه بر میهن ما تحکیم گردد و از اینطریق راه چپاول و غارت منابع و ثروتهای ملی کشور پرای امپریالیست‌ها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا دوباره هموار شود.

"راه توده" طی دو مقاله مفصل به بررسی این تجربه شوم پرداخت، اما چیزی که توجه ما را به خود جلب کرد، این است که اکثریت قریب به اتفاق مطبوعات و رسانه‌های گروهی ج ۱۰۱۰ (به غیر از روزنامه "جمهوری اسلامی" که یک مقاله سراپا انحرافی و انحصار طلبانه نوشته است) بی سروصدا از کنار این سالگرد گذشتند. مقامات بلند پایه جمهوری از جمله امام جمعه موقت تهران، امامی کاشانی، که مأمور اقامه نماز جمعه در همین روز ۲۸ مرداد بود، حتی یک کلمه دربارهٔ این روز بزرگان نراند. آقای رضایی، فرمانده سپاه پاسداران نیز، که سخنران قبل از خطبه‌های نماز بود از هر دری سخن گفت به جز دربارهٔ سالگرد این کودتای شوم.

آیا به این سکوت جز "توطئه سکوت" نامی دیگر می‌توان داد؟

چرا رهبران، مقامات، رسانه‌ها و مطبوعات رژیم که در پی سرنگونی نظام برآمده از همین کودتای ۲۸ مرداد (یعنی رژیم شاه) بر سر کار آمده و ادعا دارد که با آمریکا، یعنی حامی و مجری اصلی این کودتا سر مبارزه قاطع دارد، رژیم که ادعای انقلابی بودن دارد و حتی خود را وارث بخشی از جنبش مردم در زمان کودتای میدانند، سالگرد این کودتای

نگین را با سکوت برگزار کردند؟

ما به این سوال ۴ طرح دو سوال دیگر، جواب میدهم و آن اینکه: رهبران ج ۱۰۱۰ چه نفعی در بررسی کودتای ۲۸ مرداد و موختن از این تجربه شوم و تلخ می‌توانند داشته باشند؟ رهبران ج ۱۰۱۰ از تجبیز توده‌ها علیه دشمنان واقعی و کودتاگر مردم میهن ما، در این دوران بازگشت از راه فرته، چه سودی می‌توانند ببرند؟ هیچ! برعکس! چنین بررسی انتقادی خود افشاگر سیاست ضد انقلابی کنونی حاکم بر میهن ما می‌شود! ۲۸ مرداد دومی که این بار بطور خزنده و با شکلی جدید در حال تکوین است و صحنه گردانان اصلی آن نیز همانهایی هستند، که تعیین می‌کنند که پیرامون چه چیزی صحبت شود

## در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

از موضع پر نخوتی نسبت به مسائل - چه داخلی و چه خارجی - برخوردار می‌کنند که انگار تا کنون جهان افراد انقلابی بجز "انقلابیون" در حاکمیت جمهوری اسلامی پیخوندیده است فقط تعجب انگیز است، که قطب زاده‌ها و بنی‌صدرها و ... از خائن تا قاچاقچی چگونه در میان نشان بر خورده‌اند!

نخست وزیر جمهوری اسلامی معتقد است که "چشم جهان به انقلاب ما دوخته شده است" این ادعا می‌توانست رگهای از حقیقت درخسود داشته باشد، اگر به خلق پشت کردگان، به آرمان خلق وفادار می‌ماندند و جهت تقرب و نزدیکی به دنیای سرمایه، تسلیم دشمنان مرمدم و انقلاب نمی‌شدند!

چشم جهان به کدام اعجاز انقلاب بحرمان زده و از درون مسخ شده بایستی دوخته شده باشد؟! به اصلاحات ارضی و عده داده و انجام نشده؟ به سرکوب آزادی؟ به ایجاد خفقان؟ به نزدیکی به قرب امپریالیستی؟

اما این یک واقعیت است که دوستان مردم ایران در جهان، به احتضار انقلاب پرشکوهی که به بهای هفتاد هزار شهید و صد هزار مجروح و معلول پیروزی رسید، با نگرانی و درد و اندوه چشم دوخته‌اند؛ آنان با تعجب و حیرت چشم اندوخته‌اند، که چگونه تسلیم طلبان در برابر اراده راستگرایان و فشار و شانتاژ جهان سرمایه سرفروا آورده، کارخانجات ملی شده را به سرمایه داران پس می‌دهند؛ مسئله حیاتی بازرگانی خارجی و توزیع داخلی را به دست تروریست‌های اقتصادی میسپارند؛ تساهل مردم مستعیده را به نان شب هم محتاج کنند؛ بزرگ زمین داران را با "حرمت" و منت به سرزمین‌های غصبی باز میگردداند و "پاسداران انقلاب اسلامی" را به پاسداری "ملک آنها" می‌گمارند و دهقانان را دریدر میکنند؛ ساواکسی‌ها را دوباره به کار می‌گمارند؛ به آمریکا بایست "صد ماتی" که در انقلاب دیده، خسارت میدهند؛ بدون کمترین احساس مسئولیت هزاران جوان سروقند را به گوشت دم توپ تبدیل می‌کنند و به جنگ خانمانسوز می‌فرستند و میلیارد ها تومان دارائی مردم زحمتکش و محروم را بر باد میدهند و ...

"منافع استکباری و استعماری آمریکادار سراسر جهان را هیچ چیز جز انقلاب اسلامی و نهضت جهانی اسلامی با این شدت تهدید نمی‌کند" تصور نشود که یک مغز نا آگاه و نا-مسالم چنین حرفهایی را میزند، نه، این سخنان را رئیس جمهور اسلامی ایراد میکنند! در شرایطی که راستگرایان طرفدار آمریکا بر تمام مقدرات مردم ایران حاکم می‌شوند و در دروازه مملکت به همت آنان و یاران تسلیم طلب شان به روی انحصارات و کارتل‌های بین‌المللی چارطاق گشوده شده است؟

در شرایطی که همه نیروهای آزاد یخواه و مترقی (که جای جمهوری اسلامی در این میان خالی است!) و در رأس آنها اتحاد شوروی با تمام قوا در مقابل توطئه‌ها و آتش افروزیهای امپریالیسم جهانخواار آمریکا چون سد سدی ایستاده‌اند و پارها دست‌های تجاوزگر آن را در ویتنام، کامبوجیا، افغانستان، آنگولا، نیکاراگوئه و ... قطع کرده‌اند؛

در شرایطی که مسئله حیاتی جلوگیری از وقوع جنگ هسته‌ای جهانی و استقرار صلح به مسئله حاد روز تبدیل شده و همه نیروهای مترقی و بشر دوست و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی تمام توان خود را در جهت ممانعت از این بلای جهانسوز بکار می‌گیرند؛ صحبت از "تهدید شدید" آمریکا بوسیله "انقلاب اسلامی" یا وهای پیش‌نخواهد بود.

مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی که در رویای "صدور انقلاب اسلامی" غوطه می‌خورند، برای انقلاب فلسطین نسخه تجویز می‌کنند؛ در امور داخلی افغانستان با صراحت تام و تمام دخالت می‌کنند؛ هوای برافراشتن "پرچم اسلام بر فراز کاخ کرملین و کاخ سفید" در سر می‌پرورانند؛ در حالیکه در مقابل امپریالیسم آمریکا، کفار و نهایی از آتش و باروت جهت برافروختن جنگ هسته‌ای جهانی، روان کرده است دچار سکوتند!

"اگر انقلاب روی پای خود بایستد، می‌تواند به همه ملت‌های جهان درس آزادی پیاموزد" ! باز تصور نشود که این صحبت‌ها تراوشات فکری یک مغز غلیل است، خیر، ابتدا این حرفها را نخست وزیر جمهوری اسلامی زده است.

جمهوری اسلامی که محصول انقلاب مردم ستکشی ایران است، در رابطه با آزادی "درس" بی‌نظیری به تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیست ایران آموخته است! جمهوری اسلامی آموخته است که می‌توان آزادانه قانون شکنی کرد؛ به دفاتر سازمانها و احزاب قانونی یورش برد؛ روزنامه‌های آنان را توقیف کرد؛ به خانه‌های انقلابیون شیخون زد؛ هزاران نفر "پلانکلیف" و "گشده" را در فراموشخانه‌ها اسیر نگه داشت؛ آنها را زیر شکنجه کشت و سر به نیست کرد و ...

مقامات جمهوری اسلامی اینبار تنها حرف نزدند بلکه "قاطعانه" عمل کردند. آنها بیش از ۸۵۰۰ توده‌های و هزاران جبار غیر-تودهای را برای "آموختن آزادی" به سوی سیاهچالها روانه کردند؛ آزادانه شکنجه دادند، کشتند ...

ملت‌های جهان عیار این "درس آزادی" مقامات جمهوری اسلامی ایران را شناختند!

## تبلیغات چنانج.ا.ا. به دفاع از تروریست‌های افغانی ادامه میدهند!

روزی نیست که رادیو تهران شهری را به تصرف "مبارزان" افغانی در نیابورد؛ گروهی از نیروهای دولتی جمهوری دمکراتیک افغانستان

را به این "مبارزان" تسلیم نکند و یا از موفقیت بزرگ دیگری گزارش ندهد!

هر چند که مطبوعات و رسانه‌های گروهی غرب بارها به مسئله افغانستان بازگشتند و اغلبشان با تأسف ختم "غالبه" را اعلام کردند؛ اما خبرگزاری ج ۰۱۰۰ هنوز مسئله افغانستان را "در نهانخانه دل" پنهان کرده است و از ذکر حقایق مربوط به اوضاع افغانستان، که بی‌شک بر دولت مردان ج ۰۱۰۰ نیز پوشیده نیست، خودداری میکند. آری مزدوران امپریالیستی، که رادیو ایران به پیروی از رسانه‌های گروهی امپریالیستی، آنها را "مجاهدین" مینامد، به عملیات تروریستی علیه نیروهای مردمی و دولت افغانستان ادامه میدهند؛ شایان توجه است، که این تروریست‌ها حتی به کودکان رحم نمی‌کنند. آنها بچه‌هایی را که به مدرسه می‌روند بیرحمانه به قتل می‌رسانند. بقول عبدالکریم یکی از اعضای پیشین باندی که در هرات عمل میکرد، راهزنان فن انجام عملیات خرابکارانه را نزد حامیان ایرانی و آمریکایی و پاکستانی خود درازد و گاه‌های نظامی واقع در خاک ایران و پاکستان بخوبی آموخته‌اند و در حملات راهزنانه مردم بیگناه افغانستان را که در حال سازندگی کشور خود می‌باشند، شهید کرده و خانه‌های مسکونی و مساجد و مدارس را منهدم میکنند. اما ببینیم گروههایی که مدعی مبارزه با حکومت افغانستان هستند، کیستند؟ و چه هدفی را دنبال میکنند؟ امروز دیگر هیچکس بجز امپریالیستها و مدافعان و مداحان آنان منکر آن نیست که همه این گروهها وابسته به مرتجع‌ترین نیروهای داخلی و خارجی؛ زمین داران، سلطنت-طلبان، سرمایه داران وابسته، آمریکا، انگلستان، عربستان سعودی، اسرائیل، مصر و پاکستان هستند و قصد دارند تا رژیم پیش از انقلاب را که چیزی جز ستم و تعدی و استثمار بر ای زحمتکشان در بر نداشت، دوباره برقرار سازند. اما روند استقرار نظام نوین مردمی در افغانستان جای تردید باقی نمی‌گذارد، که انقلاب در آن کشور برای همیشه پیروز شده است. سیر صعودی این کشور در مسیر پیشرفت اجتماعی و اقتصادی با سرعتی به مراتب بیشتر ادامه خواهد یافت و این درست همان چیزی است که خواب را از چشم راهزنان امپریالیستی ربوده است.

بی‌جهت نیست که محافل حاکمه ج ۰۱۰۰ که پیشرفتهای جمهوری دمکراتیک افغانستان به مزاجشان خوش نیامده، به پشتیبانی از منافع ضد انقلابیون افغانی و حامیان امپریالیستی اش برخاسته و به تعجید و تحسین این "مبارزان" و "مجاهدین" می‌پردازد.

**قرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق**

# پیرامون مناسبات اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین

از این قاعده پیروی میکنیم، که مناسبات اتحاد شوروی و چین باید بنحوی گسترش پیدا کند که به کشورهای دیگر زبانی وارد نسازد. ما از جانب چین هم همین انتظار را داریم.

سالم کردن مناسبات میان اتحاد شوروی و جمهوری تودهای چین، در شرایط کنونی حاد شدن وضع بین المللی، اهمیت و فعلیت ویژه ای کسب می کند. ما بر این عقیده ایم که منافس خلقهای شوروی و چین تعارضی با سد کردن خطر جنگ و تحکیم صلح ندارد. با در نظر گرفتن اینکه صلح یک ایدآل سوسیالیسم نیز هست. دو کشور هنوز مسائل بزرگ و دراز مدت اقتصادی در برابر خود دارند که برای حل آنها وجود شرایط اطمینان بخش خارجی ضرورت فوق العاده دارد.

به این ترتیب، تنها دولت‌های ما از توسعه مثبت مناسبات میان اتحاد شوروی و چین بهره‌مند نمی‌شوند بلکه بدون تردید این امر برای تمام وضع بین المللی نیز سود مند خواهد بود.

بازرگانی افزایش می‌یابد و در زمینه‌های دیگر هم گام به گام تماسها بیشتر می‌شود. با این وجود سطح کنونی مناسبات بهیچوجه به میزانی که بایستی میان دو قدرت بزرگ بویژه، دو کشور همسایه باشد نیست. هنوز در زمینه‌های افزایش مبادلات بازرگانی، هموار کردن راه همکاری متقابل در امور علمی و فنی، مسئله مبادلات فرهنگی و ورزشی و دیگر موارد کارهای زیادی میتوان انجام داد. تنظیم و اجرایی تدابیری برای ایجاد اعتماد متقابل در مرزهای مشترک اتحاد شوروی و چین میتواند به مقدار زیادی در بهبود مناسبات میان دو کشور موثر واقع شود.

ما همچنین آماده یک گفتگوی سیاسی با چین درباره مسائل عمده جهانی و پیش از هر چیز در مورد تحکیم صلح و امنیت بین المللی هستیم. طبعاً ما اختلافات اندکی، در مورد برخی مسائل بین المللی و مناسبات با برخی دولت‌های جداگانه با چین نداریم. اما ما

شنبه گذشته، روزنامه پراودا، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی متناسب مصاحبهای با رفیق آندریووف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را انتشار داد. در این مصاحبه که بطور عمده اختصاص به مسائل مربوط به مذاکرات ژنو دارد پرسشی درباره وضع کنونی مناسبات میان اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین شده است که ترجمه متن پاسخ را با اطلاع خوانندگان "راه توده" می‌رسانیم:

رفیق آندریووف گفت:

"ما وضع مناسبات میان اتحاد شوروی و چین را طی دو دهه گذشته غیر عادی تلقی کردیم و می‌کنیم."

اخیراً در مناسبات ما گرایش‌های مثبتی به چشم می‌خورد. میان دو کشور تبادل نظرهای سیاسی در سطح مأموران ویژه انجام میشود. دور بعدی این گفتگوها قرار است در ششم اکتبر در پکن آغاز گردد. حجم مبادلات

## نامه خوانندگان

## "یانکی، درگدانسک"

دوست عزیز ما م. آ. نامه‌های پیرامون خدمت کمونیستهای ایرانی و بویژه حزب توده ایران به گسترش و شکوفائی فرهنگ میهن مان به "راه توده" ارسال داشته است. این دوست بدستی تأکید کرده است که (بی-فرهنگستان) بهمین علت است که در منشانه با "سم اسب" و "حشیگری و سببیت قرون وسطایی خود به "سرو سینه" اسطوره های فرهنگ معاصر ایران - فرهنگ مبارزه و پیکار مردم ما - بدینسان کوبیدند و بازمی‌کوبند.

رفیق عزیز "سیامک" از برلن غربی نیز طی نامه‌ای خواسته است که مقالاتی پیرامون چند مسئله که در نامه خود ذکر کرده در "راه توده" منتشر شود. با استقبال از پیشنهادات این رفیق، در چار چوب امکاناتمان به آن عمل خواهیم کرد.

رفیق عزیز احسان از ایتالیا، نقاشی‌های شما رسید.

دوست عزیز حسن از قبرس، مطالبی که از روزنامه‌های قبرسی برای ما فرستاده بودید رسید و از این مطالب استفاده خواهیم کرد.

دوست عزیز از یونان، نقاشی‌های شما رسید. متأسفانه آن چیزی که بدست ما رسید بسیار ناکامل است. لطفاً اگر طرحی یا نقاشی ارسال میکنید آنرا کامل کنید تا در صورت امکان بتوان از آنها استفاده کرد.

رفیق عزیز آیدین، اشعار و طرحهای شما بدست ما رسید.

رفتار والسا شگفت انگیز نیست زیرا بسیاری از سران سابق "سولید ارنوش" هواداران این اصل بودند که هر چه بدتر همانقدر بهتر و پایین جهت آنان علاقه‌ای به بهبود وضع در کشور ندارند.

"تربونالود" سپس می‌نویسد:

"سرنوشت اقتصاد لهستان نمی‌تواند برای میلیونها شهروند لهستانی بی‌تفاوت باشد. امروز اکثریت قاطع کارگران درک می‌کنند که کار خوب چه نتایج خوبی می‌آورد. از این روست که بسیاری از آنان از تعطیل روز شنبه داوطلبانه صرف‌نظر می‌کنند تا تولید بالا برود." همین روزنامه در مقاله دیگری زیر عنوان "یک یانکی درگدانسک" اشاره به اظهارات والسا در برابر روزنامه نگاران غربی می‌کند که مخالفت خود را با لغو مجازاتهای اقتصادی آمریکا علیه لهستان اعلام کرده و افزوده است که: "او خود را تا اندازه‌ای آمریکائی احساس می‌کند!"

مفسر رادیو لهستان در مورد رفتار والسا گفته است:

"او تنها کارگر خود بزرگ بین نیست که در درگیری میان سرمایه‌داری و سوسیالیسم به صف دشمنان طبقه کارگر پیوسته باشد."

والسا با برخی سیاستمداران آمریکائی که طرفدار یا مخالف‌ریگان نیستند گفتگوها داشته و از سیاست ضد لهستانی ریگان پشتیبانی کرده است. ظاهراً او چون میدانند

روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون لهستان اینروزها تلاشهای تازه ضد انقلاب، برای تخریب در امر تثبیت اوضاع در کشور را که روز بروز محسوس‌تر میشود، به باد انتقاد گرفته‌اند.

در این نوشته‌ها و تفسیرها تأکید میشود که جلوی این تحریکات با تصمیم قاطع گرفته خواهد شد. بخاطر حفظ نظم و آرامش در کشور و ادامه نتایج خوب بدست آمده در نیمه اول سال در عرصه اقتصادی، نمی‌توان این توطئه‌ها را تحمل کرد. روزنامه "تربونالود" می‌نویسد که نقش اساسی در این تحریکات را لگ والسا ایفا می‌کند، که آشکارا و بصورت اتمام حجت از مردم دعوت می‌کند که در کارخانه‌ها و ادارات کم کاری کنند.

این روزنامه می‌افزاید:

"آقای والسا نشان داد، که گذشته چیزی نیامخته است." زیرا امروز برای هر لهستانی روشن است که کار نکردن به چه عواقب دردناکی منجر میشود. اثرات سوء استفاده از اعتصاب در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ که "سولید ارنوش" سازمان دهنده آنها بود، هنوز بطور دردناکی احساس میشود و برای مدت طولانی هم احساس خواهد شد. امروز هنگامیکه ما خود را آهسته آهسته از وضع بد اقتصادی بیرون میکشیم، کار نکردن یعنی از دست رفتن هر گونه امیدی برای بهبود زندگی توده‌های مردم و نابود کردن آنچه که در ماههای اخیر با زحمت زیاد بدست آمده است.

# زنان مبارز هندوستان، جلوگیری از ادامه رفتار وحشیانه با زنان زندانی دگراندیش را خواستارند

اعمال این روشها، اقدام نماید.

● سی و یک تن از زنان متقی و اعضای فد راسیون ملی زنان هندوستان در ایندرو، طی نامه‌ای اعتراضی که به سفارت ج ۰۱۰۱۰ در دلهی نو، ارسال داشته‌اند، ضمن ابراز نگرانی عمیق از دریافت خبر بازداشت و شکنجه رفیق مریم فیروز و سایر زنان دگر اندیش، آزادی فوری آنان و اعزام هیاتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان، جهت بازدید از آنان را خواستار گردیدند.

● سازمان زنان هندوستان، شاخه پوننا، وابسته به "فد راسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان"، طی صدور بیانیه‌ای، که رونوشت آن به سفارت ج ۰۱۰۱۰ در دلهی نو نیز ارسال گردیده است، بازداشت و شکنجه رفیق مریم فیروز و سایر زنان مبارزی را که در مواردی حتی همراه کودکان خردسالشان روانه زندان گردیدند، بشدت محکوم و نگرانی شدید خود را در مورد وصول خبر مربوط به احتمال شهادت رفیق مریم فیروز، در اثر شکنجه‌های وارده، ابراز نموده است. آزادی فوری زنان زندانی، پایان دادن به اعمال شکنجه در مورد زندانیان و بیوزنه زنان و عزیمت هیات بین‌المللی به ایران جهت دیدار با زندانیان و بررسی وضع ایشان، از جمله خواسته‌های فوری زنان این سازمان است.

● سازمان دمکراتیک سراسری زنان هندوستان، واحد گجرات و بارودا، در تاریخ پنجم ژوئیه (۱۴ تیرماه)، بیانیه‌ای صادر نمود که طی آن دستگیری و شکنجه رفیق مریم فیروز به شدت محکوم گردیده و از جمله باین مطلب اشاره شده است که حاکمیت ج ۰۱۰۱۰، عملاً با به بند کشیدن مبارزان راه خلق و "منحل کردن حزب توده ایران، از خواسته‌های بحق مردم، روی بر تافته است.

● در جلسه مشترک سازمانهای زنان در درادون، بتاريخ ۲۴ ژوئیه (دوم مرداد)، قطعنامه‌ای صادر گردید که در آن ضمن محکوم کردن رفتار وحشیانه در مورد زنان مبارز از جمله رفیق مریم فیروز، مسئول "تشکیلات دمکراتیک زنان" و سایر دمکراتهای ایران، از دولت هندوستان تقاضا شده است، برای جلوگیری از

## شرکت روزافزون محافل

بقیه از صفحه ۷  
و مسئول "کمیته همبستگی با زندانیان توده‌ای" آغاز گردید.  
وی پس از اشاره به اهمیت برگزاری این جلسه و اقدامات عاجل جهت نجات جان مبارزین زندانی، از جمله اظهار داشت که موضع حزب کمونیست دانمارک، در قبسال انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران، همان موضع حزب توده ایران بوده و اکنون که این حزب در شرایط بسیار دشواری قرار دارد، از پشتیبانی همه جانبه کمونیستهای دانمارک بر-

● نشریات مترقی هندوستان، در هفته‌های اخیر، مفصلاً به درج مطالبی در مورد وقایع اخیر ایران و بازداشت زنان و مردانی پرداخته‌اند، که پیگیرانه در راه دفاع از حقوق زحمتکشسان مبارزه کردند.

از جمله، مجله "صدای زنان شافل" چاپ دلهی نو، در شماره ماه ژوئیه خود، طی مقاله‌ای تحت عنوان "آزادی برای مریم فیروز" ضمن اشاره به نقش وی در بسیج زنان و مبارزه در راه احقاق حقوق آنان، به شرح حال وی پرداخته و به شکنجه‌های وحشیانه‌ای که وی و سایر مبارزان زندانی تحت آن قرار گرفته‌اند، اشاره نموده است و در پایان تأکید می‌نماید که این اعمال، زمینه تضعیف انقلاب ایران و تسلط مجدد امپریالیسم بر کشور را، فراهم می‌نماید.

روزنامه‌های زیر نیز که بزبان هندی، در شهر درادون انتشار می‌یابند، در ماه ژوئیه به درج مطالبی در این مورد پرداخته‌اند:

● روزنامه "دریان" هیماچال تایمز، صبح امروز، اوتران چال



همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران

خوردار است.  
سپس رفقای حزب توده، امیران، به تشریح اوضاع کنونی کشور، دلایل حمله به حزب شکنجه و بازداشت رهبران و اعضای آن و عقب نشینی و تسلیم طلبی نیروهای مماشاتگر در روزی و هجوم راستگرایان به دست آورد های انقلاب پرداختند و توضیحاتی در زمینه فیلم‌های تلویزیونی "اعترافات"، دادند.  
نمایش ویدئو فیلم "اقرار" و نمایان بودن آثار شکنجه در چهره و حرکات رفا، که حضار را به شدت تحت تأثیر قرار داد، نمایندگان احزاب و سازمانهای دمکراتیک شرکت کننده در بقیه در صفحه ۱۶

## بدون شرح

سخنان سعید امانی نماینده مردم تهران

### راه حل مسئله فتودالیزم

"این جانب استدعا دارم که هر نماینده، فتودال منطقه خود را معرفی کند تا امت حزب الله خدمت آن‌ها رسیده و دیگر در کشور فتودال باقی نماند!"

### طبقه مستاصل

"بعد از معرفی فتودال‌ها و سرمایه‌داران، به بقیه مردم اطمینان بدهید که اگر این مقدار سرمایه داشتید و مثلاً ۲۰ هکتار زمین را آباد کردید، فتودال و سرمایه‌دار نیستید، بلکه مجاهدان راه خدا خواهید بود... و با این برنامه تکلیف میلیون‌ها نفر که در گردش اقتصادی کشور مؤثرند و نه در طبقه مستکبر بوده، نه مستضعف بلکه در وضع فعلی می‌توان آن‌ها را طبقه مستاصل نامید، روشن شده و دیگر می‌یارد ها تو مان از این راه بی‌تکلیفی به جمهوری اسلامی زبان وارد نمی‌شود!"

### خط فقه‌ای یا خطر سرمایه‌داری؟!

"مطلب مربوط به آهن و برنج نیست، موضوع خط فقه‌ای عسکر اولادی هاست که سی سال است حمایت از اسلام و قرآن و ولایت فقیه و محرومین کرده، و امروز نیز کوشش می‌کند تا صادقانه وظایفی را که در برابر خدا و اسلام و انقلاب و مردم دارد، در خط فقه‌ای و ولایت فقیه عمل نماید!" (اطلاعات، ۲۰ اردیبهشت ۶۲)

### حالت کوخ نشینی!

"حجت الاسلام معزی معاون امور پارلمانی وزارت کشور نیز ضمن تشکر از مسئولین نهادهای انقلاب اسلامی و ارگان‌های دولتی و انتظامی استان مرکزی گفت:  
"در دیدار و جلساتی که با مسئولین نهاد های انقلاب اسلامی و ارگان های دولتی و انتظامی و فرمانداران و بخشداران این استان داشتیم، حالت کوخ نشینی در آنان دیده می‌شد و همه دلسوخته نسبت به مسائل کوشا هستند و آمادگی برطرف نمودن مشکلات را دارند!" (اطلاعات، ۲۰ اردیبهشت ۶۲)  
در دیداری که خبرنگار ما با آقایان عسگر اولادی و احمد توکلی داشت، حالت کاخ نشینی در آنان دیده می‌شد و دلسوخته نسبت به مسائل بازرگانی و کاریگری، آمادگی تصرف مجدد پست های وزرات را داشتند!



## جنبش اعتراضی در پاکستان توسعه می یابد

مطابق اخباری که تا کنون منتشر شده در برخورد هائی که طی هفته اخیر میان اعتراض کنندگان به حکومت دیکتاتوری ضیا الحق و نیروهای امنیتی رژیم رخ داده تا کنون چند نفر کشته شده اند. در بخش بزرگی از ایالت سند در جنوب کشور عملاً حکومت نظامی برقرار شده است.

ضیا الحق که از اوج گرفتن اعتراضات دچار وحشت شده مخالفان رژیم خود را بشدت عمل تهدید کرده است.

از تقریباً دو هفته پیش، بنابدهوت ۹ حزب مخالف رژیم، کارزار وسیعی در سراسر پاکستان آغاز شده که از هنگام بقدرت رسیدن ضیا الحق تا کنون سابقه نداشته است.

جنبش برقرار کردن دموکراسی در کشور که هشتاد حزب عضو آنند، هسته اصلی این موج اعتراضی است. هفته گذشته حزب ملی پاکستان هم که در بلوچستان نفوذ زیادی دارد به این جنبش پیوست. اما شرکت کنندگان در راه پیمائیهها و اعتراضات فقط اعضای این ۸ حزب نیستند. کارگران، دهقانان، جوانان و روشنفکران برای لغو فوری حکومت نظامی، استعفای دولت، آزاد کردن زندانیان سیاسی، قانونی اعلام کردن احزاب و تعیین تاریخ انتخابات عمومی پافشاری می کنند.

روز ۴ شنبه ۹ شهریور ۱۳۶۲ به عنوان روز همبستگی با مردم پاکستان اعلام شده است. در این روز تمام آزادخواهان جهان به حمایت از نبرد خلقهای پاکستان برای استقرار آزادی و سرنگونی رژیم کودتائی به ابراز همبستگی دست می زنند.

## در ترکیه تعقیب فعالین کارگری ادامه دارد

در استانبول محاصره رهبران اتحادیه های کارگری انقلابی ترکیه (دیسک) همراه با گروهی از فعالین اتحادیه کارگران چاپخانه های ترکیه به اتهام اینکه گویا "بمنظور سرنگون کردن رژیم موجود در ترکیه فعالیت خرابکارانه میگردانند" بزودی شروع خواهد شد.

دادستانی نظامی ترکیه با بی اعتنائی نسبت به اعتراضات جهانی، ۱۲۸ نفر را به "دادگاه" کشانده است که از این میان ۶۸ تن و از جمله باش توره، دبیر کل "دیسک" را خطر مرگ تهدید میکند.

در همین حال در استانبول محاکمه رهبران و اعضای دو سازمان کارگری وابسته به "دیسک" هم آغاز شده است. دادستان برای ۹۰ کارگر تا ۲۰ سال تقاضای زندان کرده است. از جمله

"اتهامات سنگین" این "متهمان" شرکت در جنبش صلح و اعتصاب غیرقانونی اعلام شده است.

در ازبیسر نیز محاکمه ۶۴ تن از فعالین کارگری با اتهامات واهی آغاز گردیده است.

## مارش عظیم نیروهای صلحدوست آمریکا

مارش عظیم نیروهای صلح دوست و ترقیخواه آمریکا، به مناسبت بیستمین سالگرد مارش به سوی واشنگتن، با شرکت بیش از دویست و پنجاه هزار نفر از شهروندان آمریکایی که از نقاط مختلف آمریکا در واشنگتن گردآمده بودند برگزار شد.

بیست سال پیش از این واقعه، پراهمیت در تاریخ مبارزات صلحدوستانه مردم آمریکا، مارتین لوتر کینگ، مبارز سیاهپوست آمریکایی، در سخنرانی معروف خود گفت که وی آرزو دارد که در آمریکا تمام مردم - چه سیاه و چه سفید - در محیط برابری و برادری و صلح زندگی کنند.

انگیزه برگزاری مارش اخیر نیز حفظ صلح، اعتراض به سیاستهای ضد محرومان و مبارزه با پیشداریها و تبعیضات در حق سیاهپان و رنگین پوستان دیگر بود. صدها هزار شرکت کننده، اعتراض خود را علیه سیاستهای دیوانهوار نظامیگریانه دولت ریگان، که بار آن بر دوش زحمتکشان این کشور سنگینی کرده و صلح جهانی را به خطر انداخته است، به گوش جهانیان رسانده و عزم خود را برای ادامه مبارزه در تمام عرصه های اجتماعی اعلام داشتند.

## حملات

### ضد سوسیالیستی پاپ

روزنامه های ایتالیائی می نویسند که پاپ در سفر اخیر خود به فرانسه طی يك سخنرانی در شهر لورد مواضع ضد کمونیستی و ضد سوسیالیستی خود را به معرض نمایش گذاشته است. او از نو اتهامات رنگ باخته "نبودن آزادی وجدان در کشورهای سوسیالیستی" و "تعقیب معتقدان به مذهب" را تکرار نموده است.

مطبوعات محلی خاطر نشان می کنند که ایسمن حملات پاپ تصادفی نیست و آن خطی را نشان می دهد که کلیسای کاتولیک در جهت تشدید مبارزه "ایدئولوژیکی علیه کشورهای سوسیالیستی پیش گرفته است."

از هنگامیکه ریگان، رئیس جمهور آمریکا "جنگ صلیبی" ضد کمونیستی خود را اعلام کرده، همه احزاب و سازمانهای ارتجاعی در غرب امریالیستی و کشورهای دست نشانده آنها در جهان سوم به این کارزار پیوسته اند. در این میان محافل محافظکار روحانیت، چه در جهان مسیحیت و چه در کشورهای مسلمان نقش ویژه ای را در این زمینه بعهده گرفته اند - صهیونیست های اسرائیلی که جای خود دارند!

## "پانکی" در گدانسک

بقیه از صفحه ۱۴

که فعلاً ایالات متحده در لهستان سفیری ندارد، خواسته این وظیفه را نیز متقبل شود. در گدانسک ضد انقلاب هنوز امید خود را برای فریب دادن زحمتکشان از طریق پخش شایعات دروغ و دعوت به اعتصاب مانند دو سال پیش از دست نداده است. اما نیروهای انتظامی به هیچکس اجازه نخواهد داد که در آرامش شهر و جریان عادی کار در کارخانه ها خلل وارد سازد.

## شرکت روزافزون محافل مترقی...

بقیه از صفحه ۱۵

کنفرانس، پشتیبانی خود را از اهداف جلسه بین المللی دوسلدورف (۲۱ ماه مه - ۳۱ اردیبهشت ماه)، مبنی بر اعزام کمیونی مرکب از پزشکان، حقوقدانان و خبرنگاران بایران، جهت بررسی وضع مبارزین تودهای در زندانها و تشکیل دادگاههای علنی با نظارت بین المللی برای آنان اعلام نمودند.

خبرتشکله کنفرانس مزبور، وسیعاً در مطبوعات دانمارک و از جمله روزنامه ارگان حزب کمونیست انعکاس یافت و رادیوی این کشور، ضمن پخش جریان مشروح کنفرانس و مصاحبه با یکی از رفقای تودهای، به تشریح شکنجه های وارده بر رهبران حزب توده، ایران پرداخت.

زاد یو مسکو نیز در تاریخ بیست و سوم اوت (اول شهریور)، گزارش مشروح کنفرانس مطبوعاتی را پخش کرد.

## کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در

زوریخ

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را  
تأمین کردند

RAHE TUDEH

No.57

Friday, 2 Sept. 83

Address: Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	Italy	600	L.
France	Fr. U.S.A.	40	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

